

نمره - ۱۱۲

مکتوب سرچارچ بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۱۵ مارس)

از طهران، ۲۵ فوریه ۱۹۰۹

[۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۷ شهر ماضی خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که در اوایل این ماه [نیمه اول بهمن؛ محرم] عین الدوله عنوان نمود که با نماینده‌های انجمن ایالتی تبریز مذاکرات صلح بنماید. لیکن از این مذاکرات نتیجه حاصل نشد چون طرفین بواسطه خوف خیانت و خدعه در فرستادن نماینده بی‌میل بودند.

در ۶ شهر حال [۱۷ بهمن؛ ۱۲ محرم] یک مجادله ای که حاوی فی الجمله اهمیتی بود در خارج شهر واقع شد که در ضمن آن تلفات میلیون ۶ نفر بود و تلفات شاه پرستان که بالاخره عقب نشانده شدند ۱۴ نفر.

در عرض ماه قشون شاه پرستان در کاملاً محصور نمودن تبریز موفق شدند. سه جاده به جلفا و همدان و قزوین را قره داغی‌ها و قشون صمدخان حاکم مراغه و عین الدوله مسدود نموده‌اند. بنابراین آذوقه در شهر کمیاب شده و انتظار نیست که انبار غله بیش از شش هفته دیگر دوام بنماید. در ۲۲ شهر حال [] قشون ملیون مجاهدت سختی برای افتتاح راه جلفا و استخلاص دسته قشون ساخلو مرنند نمودند ولی پس از یک حمله به قره داغی‌ها در الوار قشون تجهیزه بدون نیل به مقصود مراجعت به تبریز نمودند. هواخواهان درباری در باغ شاه بتازگی خیلی اعتماد دارند که تبریز در همین روزها تسلیم خواهد شد ولی بموجب تمام اطلاعاتی که از مستر راتیسلا به من رسیده واضح است که تخمین عده قشون در تحت عین الدوله حاوی اغراق بسیار است و به عقیده مستر راتیسلا تصرف شهر بوسیله یورش برای آنها غیر ممکن است. امکان دارد بواسطه قحطی و فقدان آذوقه آن شهر تسلیم بشود ولی از مسلمیات است که تا زمانی که آذوقه آنها دوام بنماید خودداری نموده و مقام خود را نگاه خواهند داشت، چون ملیون می‌دانند که اگر یک دفعه رحیم خان داخل شهر بشود نمی‌توانند امید هیچ رحم و مروتی از او داشته باشند. در نتیجه قشون در تبریز در حال حاضر از قرار راپورت در نواحی اطراف ارومیه [= ارومیه] هم جنگ در کار است. وضع تجار در تبریز خیلی بد است و تجار انگلیسی از خسران کلی که بواسطه مسدود بودن راه جلفا برای پست و مال التجاره اروپا به امورات آنها وارد آمده شکایت به مستر راتیسلا برده‌اند.

امضا جارج بارکلی

مجدد - ۲۶ فوریه [۸ اسفند؛ ۵ صفر] - الان مکتوبی از جنرال قنسول

انگلیس مقیم تبریز به من رسید که سواد آن را لفاً تقدیم می‌دارم.

ج. ب.

ملفوقه در نمره ۱۱۲

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنسول، به سرچارچ بارکلی
از تبریز، ۷ فوریه ۱۹۰۹
[۱۸ بهمن ۱۲۸۷؛ ۱۵ محرم ۱۳۲۷]

آقا

از قرار معلوم در جنگ پنج فوریه تلفات از طرف ملیون بالنسبه خیلی زیادتر از آنکه بدو تصور می شد بوده. حصول تعداد واقعی آن مشکل است ولی به عقیده من مجموع عده مصادمین مقتول و مجروح و مفقود تماماً پنجاه نفر بوده. این جنگ مختصر بجز عقب نشستن شاه پرستان تا اردوی خودشان در سردرود که به هر صورت شب را مجبور به معاودت به آنجا می بودند منجر به نتیجه ای نگردید. از اینرو فقدان دیسپلین و تسلط کافی ملیون و با سستی و فتور جنگیدن آنها در هر مجادله ای که خارج از سنگرهای خودشان واقع بشود مستفاد می گردد.

بعضی از افراد قشون عین الدوله از باسمنج در این جنگ شرکت نمودند و از قرار مفهوم يك عده از آنها الحال موقتاً به قشون صمد خان ملحق شده اند. محقق نیست که آیا رحیم خان شخصاً در این معرکه داخل شده یا خیر ولی پسر او باین استعدادی از قره داغیها در حوالی سمت شرقی راه جلفا است و قشون صمدخان که از جانب غربی بطرف سردرود متفرقند با مشارالیه اتصال دارند و باعث ناامنی جاده مزبورند.

در حقیقت حالا تبریز عملاً محاصره است. هیچ آذوقه ای نمی تواند داخل شهر بشود. اشجار میوه باغها را برای سوزاندن بریده اند و اگر چه عجالتاً مقدار کافی غله برای خوراک اهالی موجود است ولی احساس تضییق و سختی به طرقت مختلف می شود. عدم رضایت معتنابهی در طبقه تجار که هیچ معامله و داد و ستدی ندارند احاطه دارد و با وجود این اتصال مطالبه اعانه از آنها می شود و آنهم برای مصرفی است که تا وقتی که آنها وسایل و مایه ای دارند نمی توانند از پرداخت آن امتناع بنمایند. مالیه ملتیان چندان امیدبخش نیست و مسئله در این است که تا چه مدت توانا خواهند بود که در پرداخت حقوق قشون خودشان مداومت بنمایند. سهم عایدات آنها از اداره تلگراف هند و اروپا در ماه ژانویه فقط هزار و دویست تومان شد در صورتیکه بتازگی وجه اعانه ای هم از رفقای خودشان به آنها عاید نگردیده. ضمناً پول هم خیلی کم از شهر خارج می شود و امن تصور نمی کنم احتمال فوری اختلالی برای فقدان پول باشد.

عقیده عمومی براین است که شاه پرستان به همین زودیها اقدام در تصرف شهر بوسیله یورش خواهند نمود ولی در موفقیت آنها شك است و اگر محاصره شهر و

مسدود بودن طرق تا دوسه ماه باقی بماند احتمال کلی می‌رود که ملیون را مجبور به تسلیم بنماید. از طرف دیگر مشکل شاه به وضعی باشد که تا يك همچه مدتی بتواند قشون خود را مجموع نگاهدارد.

امضا راتیسلا

نمره - ۱۱۳

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۶ مارس)

از طهران، ۱۶ مارس ۱۹۰۹

[۲۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۷]

دیروز شاه مسیو سبلین را به دربار احضار کرد. در جواب تقاضائی که آن اعلیحضرت برای صلاح اندیشی نموده بود مسیو سبلین اظهار داشته بود که اگر آن اعلیحضرت به تشکیل يك مجمعی از نماینده‌های فرق و طبقات مختلف در طهران برای اعماق نظر در اوضاع که (پیشنهادی است که وزیر امور خارجه به اعلیحضرت معظم عرض و تقدیم داشته بود) موافقت بنماید احتمال آن می‌رود که کشمکش حاضره را مرتفع بدارد. آن اعلیحضرت وعده نمود که به این پیشنهاد موافقت بنماید. سعدالدوله به من اطلاع می‌دهد که او این پیشنهاد را به شاه به این امید نموده است که بلکه از آن مجمع يك رأی متقن عالی در مساعدت و تأیید يك مشروطه‌ای بتوان تحصیل نمود. چنانچه ترکیب این مجمع مثل آن مجمع مشاوره استمراء آمیز ماه دسامبر [آذر؛ ذی‌قعدة] نباشد و ملیون در حضور به این مجمع راضی بشوند بعضی نتایج مفیده را می‌توان امیدوار بود. سعدالدوله به من اظهار می‌دارد که او از اهمیت ترکیب این مجمع واقف است.

نمره - ۱۱۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۶ مارس)

از طهران، ۱۶ مارس ۱۹۰۹

[۲۶ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

مستر راتیسلا، جنرال قنسول انگلیس تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که شاه پرستان جلفای ایران را تصرف نمودند. راپورت داده شده است که سکنه آنجا از رودخانه عبور نموده و به خاک روسیه رفته‌اند.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ مارس ۱۹۰۹

[۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۷]

من دیروز با شارژ دافر روس صحبتی داشتم. مشارالیه اظهار نمود به حدی متوحش است که اگر غارتگران شاهپرست بخواهند در جلفا در پیش چشم روسها زنها و اطفال را قتل عام بنمایند یحتمل مداخله دولت روس در امور ایران حتمی - الوقوع بشود.

در جواب من اظهار داشتم بیم آن است که هنوز شاه آرزومند وقوع مداخله روس باشد چون آن مؤید اعلیحضرت معظم تصور خواهد شد. عقیده قطعی من براین است که اگر يك مرتبه دولت روس بر آن اعلیحضرت تصریح بدارد که از مداخله بهیچوجه انتفاعی متوجه ایشان نخواهد شد بلکه از هرجهت احتمال می رود که بواسطه عدم لیاقت و کفایت او در حکمرانی مملکتش منتج به انفصال او از سلطنت بشود اعلیحضرت معظم بدون فوت وقت اعلان يك مشروطه ای خواهد نمود که نتیجه آنی آن التیام و انحطاط اوضاع در تمام ایران خواهد بود. بدون توصیه در تعقیب يك همچو روشی من پیشنهاد نمودم که اگر به عقیده مسیو ایسولسکی اقدام سلامت و مطمئنی است و اگر مقتضیات قطعاً این مسئله را لازم می دارد دوست هزار لیره از وجه قرضه سهمی دولت روس ممکن است فوراً پرداخته بشود. پس از آن همینکه تمام قرضه را مجلس تصویب نمود سهمی ما تأدیه شود. در باب تعیین وزرای شاه من با عهده گرفتن مسؤلیتی که از اتخاذ يك همچو روشی تولید خواهد شد مخالفت دارم ولی امکان دارد که قرض را مشروط به تغییر هیئت وزراء و نامزد شدن وزرائی که محل وثوق باشند نمود. پس از آنکه مطلع شدیم که شاه چه اشخاصی را به وزارت جدید خود انتخاب نموده آنوقت ما می توانیم درک بنماییم که آیا شرط مزبور بطریق مرضی به موقع اجرا گذارده شده یا خیر.

نمره - ۱۱۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

اوضاع بندرعباس منتهی به حدی متوحش شده است که در کف گرفته و گمرکخانه را تصرف کرده اند. جنرال قنسول مزبور از صاحب

تلگراف مورخه دیروز جنرال قنسول دولت انگلیس مقیم بوشهر حاکی است که بواسطه فشار مجتهدین نجف و سادات لارستان ملتیان بندرعباس زمام اختیار حکومت را در کف گرفته و گمرکخانه را تصرف کرده اند. جنرال قنسول مزبور از صاحب

منصب ارشد بحری تقاضا نموده است که يك فروند کشتی جنگی برای حفظ منافع انگلیس به بندرعباس بفرستند.

نمره - ۱۱۷

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر امروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت می-دهد که بموجب اطلاع واصله از قنسول انگلیس يك فروند کشتی اعلیحضرتی دیروز به بندرعباس رسیده.

ملیون رئیس بلژیکی گمرک را مخیر نمودند که یا در استخدام ملت باقی بماند و عایدات را به ملیون بپردازد یا از آنجا حرکت بنماید. علی هذا رئیس گمرک خارج شد. همه کس مسلح است و دستجات مسلح اتصال از داخله وارد می شوند، حاکمی که از فرقه ملیون است فعلا نظم را کاملا مستقر داشته است.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

تلگراف ذیل به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر راجع به تلگراف ۱۷ مارس خودش مخابره شده است:

«قایق جنگی فقط در صورتی در بندرعباس توقف نماید که قنسول انگلیس اتباع دولت انگلیس را در خطر بدانند.

البته قشون بحری را فقط در صورت احتیاج فوق العاده پیاده خواهند نمود.»

نمره - ۱۱۹

تلگراف سرجارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر در طی تلگرافی مورخه دیروز راپورت می‌دهد که ملیون کارگزار بندرعباس را به حکومت انتخاب نموده‌اند.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من رسیده:

«نظر به اخبارات امروز از بندرعباس، من درباب اوضاع اینجا با همکار روسی خودم مذاکره نموده‌ام. اهالی تا حال در پیروی تعلیمات ملاهای ملی مردد بوده‌اند ولی حالا محتمل است در تعقیب سرمشق ملیون بندرعباس قیام بنمایند. حاکم یک وجود ناقصی است و فعلا هم غایب است. قشون ساخلو عبارت از دویست نفر سرباز ایرانی از اصفهان است و نباید انتظار داشت که آنها به اداره گمرک یا مأمورین محلی هیچ تقویت مهمی برعلیه دسته ملی بنمایند. به لحاظ امکان هرج و مرج عمومی ما این مسئله را مقرون به حزم می‌دانیم که یک فروند کشتی جنگی در اینجا یا در یک مسافتی که به سهولت به آن دسترسی باشد داشته باشیم که حفظ منافع ما را بنماید، اگر چه عجالتاً دلیلی برای خوف صدمه و تعرض عمدی خارجه‌ها [= خارجی‌ها] موجود نیست. البته جنابعالی تدقیق در این مسئله خواهید نمود که آیا نظر به مرهون بودن عایدات گمرک بوشهر فعلا نزد ما هیچ اقدام مخصوصی لازم خواهد بود یاخیر.»

نمره - ۱۲۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوار گری (واصله در ۱۸ مارس)

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

بندرعباس

در جواب تلگراف ۱۷ مارس جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر من از قرار ذیل تلگراف نموده‌ام:

«قنسول انگلیس باید به ملیون اطلاع بدهد که عایدات گمرکات خلیج نزد دولت انگلیس مرهون است و باید از آنها تقاضا بشود که عایدات گمرک بندرعباس را به قنسولگری مسترد بدارند که با مراقبت قنسولگری منحصرأ به مصرف تأدیة فرع قرضه‌های دوات انگلیس برسد. ممکن است خاطر نشان آنها بشود که وقتی که ملیون

تبریز ملتفت شدند که عایدات گمرک آنجا نزد دولت روس رهن است دیگر مداخله‌ای در آن ننمودند.

من در صدد اطلاع دادن به دولت ایران هستم که مطالبه عایدات گمرک را من از بابت فرع قرضه خودمان می‌نمایم و حقوق گمرکی که تجار انگلیسی به ملیون پرداخته‌اند کاملاً تأدیه شده محسوب است و آنها بزی‌الذمه‌اند.»

نمره - ۱۲۲

تلگراف سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۱۹ مارس)

از سن پترزبورغ، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

به عقیده مسیو ایسولسکی مفتنم است که در موقع پیشنهاداتی که نمایندگان در طهران به شاه می‌نمایند لدی‌الاقضاء این عقیده را هم منضم بنمایند که ناصرالملک که فعلاً در پاریس است به طهران احضار بشود.

نمره - ۱۲۳

تلگراف سر ادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

ناصرالملک

رجوع به تلگراف مورخه امروز شما، من موافقت دارم که احضار ناصرالملک به ایران صلاحیت دارد.

نمره - ۱۲۴

تلگراف سر ادوارد گری به سرچارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ مارس ۱۹۰۹

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

تعلیماتی را که به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به موجب راپورت مندرجه در تلگراف ۱۸ شهر حال خودتان داده‌اید تصویب می‌نمایم.

نمره - ۱۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سرچارچ بارکلی

از وزارتخارجه، ۲۰ مارس ۱۹۰۹
 [۳۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۷ صفر ۱۳۲۷]
 رجوع به تلگراف ۱۸ شهر حال شما، من از اداره بحری تقاضا نموده‌ام که يك فروند قایق جنگی به بوشهر فرستاده بشود با تعلیماتی که در مدت طغیان انقلاب تمام خارجه‌ها [= خارجی‌ها] را محافظت بنماید. من نیز تقاضا نموده‌ام که همین قسم تعلیمات به قایق جنگی که به بندرعباس اعزام شده داده بشود.

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر چارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹
 [۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]
 بموجب تلگراف جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز، جلفا هنوز در تصرف ملتیان است لیکن قشون شاه‌پرستان تمام قراء حوالی را غارت نموده و آتش زده‌اند.

نمره - ۱۲۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹
 [۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]
 بموجب يك تلگرافی از کفیل ویس قنسولگری رشت قزاق روسی برای ازدیاد مستحفظین قنسولگری وارد شده.

نمره - ۱۲۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ مارس)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹
 [۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]
 تلگراف امروز من در باب اوضاع جلفا بنا بر حس بشریت، من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله سختی به دولت ایران نوشته و تأکید نموده‌ایم که شاه احکام قطعی مستقیم به رحیم‌خان صادر بنمایند که از جنگ با این قواعد وحشیانه احتراز نماید.

نمره - ۱۲۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۳ مارس)

از طهران، ۲۳ مارس ۱۹۰۹

[۳ فروردین ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از کفیل جنرال قنسوگری انگلیس مقیم بوشهر رسیده. «امروز سید مرتضی اهرمی از طرف ملیون بطریق مسالمت مهم حکومت را بتصرف درآورد. برای این قصد یک عده تفنگچیان تنگستانی را وارد شهر نمود. مسئله تصرف گمرک موضوع بحث است ولی تا حال مداخله‌ای در این باب نشده. من در صدد اطلاع دادن به سید مزبور هستم که گمرکات نزد ما مرهون است. حاکم هنوز غیبت دارد. مأمورین محلی عمده مستعفی شده‌اند.»

نمره - ۱۳۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۲۴ مارس)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

شاه و مشروطه. رجوع به تلگراف ۱۶ شهر جاری من. از تشکیل مجمع منظوره اعلیحضرت شاه واضح است که آن اعلیحضرت پیش از هر وقت متمایل به ارتجاع است. اگر اصلاً یک همچو مجمعی منعقد بشود بی شبهه بر علیه [= علیه] مشروطه رأی خواهند داد. سعدالدوله اظهار می‌دارد که من در آن مجمع حاضر نخواهم شد. مشارالیه خیلی مایوس شده است.

من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله مشترکی نوشته و اشعار داشته‌ایم که تعیین اشخاص مدعوه برای حضور در مجمع را تصویب نمی‌نماییم.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۴ مارس)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بعضی الواطان دیشب چهار نفر از متحصنین را در حضرت عبدالعظیم مقتول نمودند.

من و مسیو سبلین [= سابلین] مراسله مشترکی نوشته و اصرار نموده‌ایم که مرتکبین باید به مجازات برسند و اخطار نموده‌ایم که هرگاه اغتشاش عمومی که بخوبی پیروی این نوع جنایات را دربر خواهد داشت باعث صدمه و خطر اتباع انگلیس و

روس بشود چه مسئولیتی بر عهده دولت ایران وارد خواهد آمد.

نمره - ۱۳۲

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ مارس)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بموجب تلگرافی که از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز رسیده در میان طبقات فقیرتر در شهر عسرت و تضییق خیلی زیادی شیوع دارد. مستر راتیسلا یقین ندارد که این مقاومت و ایستادگی زیاد طولانی بشود.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ مارس)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جنرال قنسل انگلیس از تبریز راپورت می دهد که اعتقادات براین است که رحیم خان دو پست اخیری را که از اروپا می آمده توقیف و ضایع نموده. او به مستخدمین پستخانه گفته است هر شخصی که بعد از این پست را بیاورد او را با گلوله خواهند زد. يك همچه رویه ای باعث تولید خسارت بسیار به منافع تجارتي انگلیس خواهد شد. يك مقدار کثیری واردات خارجه را رحیم خان بغارت برده.

نمره - ۱۳۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ مارس)

از طهران، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۲۴ شهر جاری من درباب اوضاع طهران.

شارژ دافر عثمانی به ملاقات من و همکار روسیم آمده برای اینکه به ما اظهار بدارد که او در صدد مراجعه به بابعالی برای تقاضای مستحفظ است چون براین اعتقاد دلیل دارد که يك حمله مشابه قتل جنید در حضرت عبدالعظیم به متحصنین خودش را باید منتظر باشد. صدرالدین بیگ اصرار دارد که ما تقاضای انفصال نایب الحکومه طهران را بنماییم. قتل جدید را می توان تقریباً بطور یقین مستقیماً نسبت به او داد. صدرالدین بیگ اظهار می دارد که اگر ما این تقاضا را بموقع اجراء بگذاریم اسباب اطمینان من می شود و دیگر مستحفظ لازم نخواهم داشت.

من و مسبو سبلین [= سابلین] در این موضوع با دولت ایران مذاکره نموده و اصرار کرده‌ایم که اقدامی را که ما تقاضا داریم متضمن خیر شاه و مصالح دولت او است چون برای هر نوع صدمه و خسارتی که از اثر اغتشاش به اتباع ما وارد بیاید دولت مشارالیه‌ها را مسئول خواهیم دانست و اگر نایب‌الحکومه مزبور منفصل نشود ما وقوع خسارت و صدمه را پیش‌بینی می‌نماییم.

نمره - ۱۳۵

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی

۲۶ مارس ۱۹۰۹ [۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷] رجوع به تلگراف دیروز شما

اگر شما مقتضی می‌دانید به معاضدت همکار روسی خودتان ممکن است به دولت ایران اظهار بدارید که غرامت پستهای انگلیسی که ضایع شده است از آنها مطالبه خواهد شد و دولت انگلیس در صورت حدوث هر خسارتی که بواسطه اعمال مأمورین شاه به تجارت انگلیس وارد بیاید دولت ایران را مسئول می‌داند.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ مارس) [۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۱ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ، ۲۷ مارس ۱۹۰۹ رجوع به تلگراف ۱۷ مارس شما

من یادداشتی به وزیر نوشته و از او تقاضا نمودم که به دادن تعلیمات به نمایندگان دولتین موافقت بنماید که کاملاً به شاه مفهوم بدارند که اگر دولت روس مداخله‌ای بنماید از آن هیچ انتفاعی برای آن اعلیحضرت حاصل نخواهد شد و اگر اعلیحضرت معظم به تعقیب مسلك کنونی خود که متضمن مخاطرات مهمه برای حیثیت شخصی او است مداومت بنماید آن مداخله ممکن است منجر به انفصال او از مقام سلطنت بگردد. من نیز اشعار داشتم که خوب است به شارژ دافر روس تعلیمات داده بشود که برای تمام خساراتی که بواسطه رحیم‌خان و متابعین او به منافع روس و انگلیس در شمال ایران وارد بشود دولت ایران را مسئول قرار بدهد.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۸ مارس)

از طهران، ۲۸ مارس ۱۹۰۹

[۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.

«یکی از ملیون نامی به من اطلاع می‌دهد که آذوقه در تبریز منتها تا سه هفته دیگر

بکلی تمام خواهد شد.»

نمره - ۱۳۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر. تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من

رسیده.

«اولین جواب مقطوع از سید مرتضی دیشب آخر شب به من رسیده که بطریق مراسله رسمی نزد يك نفری که واسطه است فرستاده شده و او برای من ارسال داشته بود. سید ابتدا به این بیان نموده که حفظ منافع مسلمة دولت و ملت انگلیس یکی از فرایض اولیة ملیون است. پس از آن او اشعار داشته است که برای اطمینان و استر-ضای قنسولگری در مسئله عایدات گمرکی من پیشنهادی می‌نمایم که قرارداد صحیحی باشد و آن این است که دسته ملیون برای مخارج یومیة نگهداری تفنگچیان روزی پانصد تومان مأخوذ بدارند و بقیه نزد يك نفر تاجر ایرانی معتبری که طرفین انتخاب بنمایند سپرده بشود و تا سه ماه به رسم امانت نزد او بماند. در عرض آن مدت دسته ملیون جواب اخیر خود را به تعویق انداخته و ضمناً از مراکز هیجان ملیون دیگر کسب تکلیف خواهند نمود یا دولت انگلیس برای اثبات دعوی خود اسناد ابراز خواهند داشت.

شرح ذیل در باب وضع حاضره است: - سید مرتضی يك ملای متعصب نیمه تربیت شده است. تسلط او به اوضاع فقط بواسطه این است که او می‌تواند در هر آن از داخله ۱۹ که خودش هم اهل آنجاست يك جمعی تفنگچیان تنگستانی را به بوشهر احضار نماید چنانچه در این موقع هم نموده. تعداد واقعی در اینجا تقریباً هزار نفرند ولی باز هم یومیه می‌آیند. ایرانیان، چه ملتیان و چه سایرین، اعتقادی به صداقت و صمیمیت سید ندارند و می‌توان معتقد بود که مادامی که او به سلطه و قدرت خود در اوضاع باقی است تجار حتی الامکان کم مال التجاره وارد و کمتر از گمرک استخراج خواهند نمود بنابراین عایدات گمرک خیلی قلیل خواهد بود. دستبردهای مختصر

تفنگچیان تنگستانی اهالی بوشهر را دچار يك خوف دائمی نموده و آنها اغلب اظهار عقیده می‌نمایند که هیچ چیز دیگری بجز يك نوع مداخله‌ای از طرف دولت انگلیس نمی‌تواند آسایش و نظم را اعاده بدهد. نظر به اشتیاق دولت انگلیس در حتی‌الامکان احتراز نمودن از چنین عملی من درصدم که پس از وصول تعلیمات ثانوی از طرف جنابعالی به سید مزبور که وضع و روش شخصی او نسبت به قنصلگری انگلیس در ظاهر خالصانه است جواب بدهم که از اظهارات دوستانه شما خیلی مشعوفم ولی نمی‌توانم تصور بکنم که بموجب پیشنهاد شما به هیچ وجه منافع انگلیس محفوظ و مرعی بگردد و من پیشنهاد شما را مبنای مذاکرات دوستانه ولی مجدانه من بعد مابین خودمان قرار خواهم داد.

تا زمانی که تعلیمات ثانوی از طرف جنابعالی برسد من سعی خواهم نمود که سید را متقاعد بنمایم که مبلغ مأخوذی یومیه خود را تقلیل بنماید و جلب رضایت او را به يك نوع قرارداد مناسب موقتی بنمایم که به آن وسیله بقیه عایدات به رسم امانت سپرده شود و نیز عده تفنگچیان را هم تکسیر^{۲۰} نموده و چند نفر اشخاص معتمد هم برای معاضدت خودش تهیه نماید که به رتق و فتق امورات جاریه محلی پردازند.»

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر. تلگراف مورخه دیروز را جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر به من مخابره نموده:

«رجوع به تلگراف اخیر ما قبل خودم کشتی اعلیحضرتی موسوم به «ردبرست» وارد اینجا شده. تا حدی که اتباع انگلیس منظورند همچو لزوم مخصوص نیست که فعلاً من را مجبور به تقاضای استعداد بیشتری بنماید اگر چه تعداد افراد نظامی جهاز «ردبرست» بی‌نهایت قلیل است و من گمان می‌کنم يك فروند جهاز جنگی دیگر که محتوی دو یست الی سیصد نفر سرباز اروپایی باشد باید اعزام بشود.»

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ مارس)

از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹

[۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

(۲۰) تکسیر: کم کردن (در این جمله). - م.

تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر مخابره نموده‌ام:
 «باید به سید مؤکداً خاطر نشان بنمایید که دولت انگلیس به تأدیة مرتب اقساط
 ماهانه به بانک شاهنشاهی از بابت فرع قرضه مدیونی به انگلیس که عایدات گمرکات
 بوشهر وثیقه آن است خیلی زیاد اهمیت قرار می‌دهد. باضافه باید به او اخطار بنمایید
 که ممکن است من ناچار بشوم که به دولت انگلیس توصیه بنمایم که اقدامات برای
 حصول پرداخت این اقساط بنمایند.
 باعث تعجب است که سید برای اثبات حق ما به قول شما اقناع نشده.
 جواب شما به سید را تصویب می‌نمایم، بهمچنین روشی را که در عبارت اخیر
 تلگراف ۲۹ مارس خودتان پیشنهاد نموده‌اید.»

نمره - ۱۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۳۰ مارس)
 از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹
 [۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]
 در کرمانشاه شورش و طغیانی بروز نموده که مبنای عمده آن بر علیه [= علیه]
 یهودیان بوده. چندین نفر از یهودیان مقتول شده‌اند. خانه یکی از اتباع انگلیس را
 قشون غارت نموده‌اند.
 من از مأموزین محلی شکایت سختی به دولت ایران نموده و مطالبه غرامت خسارت
 وارده به اموال انگلیس را کرده‌ام.
 ظاهراً کاپیتان هاوارت برای اسکات و آرامی اوضاع حتی القوه جد و جهد نموده.

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۳۰ مارس)
 از طهران، ۳۰ مارس ۱۹۰۹
 [۱۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]
 جنرال قنسول انگلیس تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که اوضاع در تبریز روبرو به
 بدی می‌رود. چندین نفر از جوع تلف شده‌اند. دسته نظامی تصمیم عزم نموده‌اند که
 جنگ را ممتد بدارند در صورتی که یک قسمت از ملیون برای مذاکره صلح حاضرند.
 ستارخان می‌گوید همین که کلیه ذخایر اغذیه مستهلك شد اهالی باید از شهر خارج
 شوند. مشارالیه اظهار می‌دارد که یک ذخیره احتیاطی برای اشخاص جنگی نگاهداشته
 شده است.
 آتیة اتباع خارجه در یک همچو صورتی ظاهراً باعث نگرانی مستر راتیسلا شده.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سرادواردگری به سرچارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

نظر به اهمیت ترتیب اوضاع تبریز که در طی تلگراف ۳۰ شهر جاری شما راپورت داده شده باید به شاه اخطار بشود که برای هر صدمه و تعرضی که به قنصلگری انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس وارد بیاید دولت انگلیس آن اعلیحضرت را مسئول خواهد دانست.

از دولت روس هم تقاضا شده است که به نماینده طهران خودشان همین قسم تعلیمات بدهند.

نمره - ۱۴۴

تلگراف سر ادواردگری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

لطف نموده از دولت روس تقاضا بنمایید که بنحوی که در تلگراف مورخه امروز من به سر چارج بارکلی مصرح است يك اخطاری به شاه بنمایند.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سرادواردگری به سرچارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۲ آوریل ۱۹۰۹

[۱۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۳۰ مارس شما

يك فروند جهاز سیار جنگی اعلیحضرتی از درجه دوم موسوم به «فاکس» تا حال از هنجام ۲۱ بعزم بوشهر حرکت کرده است.

نمره - ۱۴۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۳ آوریل)

از طهران، ۳ آوریل ۱۹۰۹

[۱۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

(۲۱) به همین گونه در اصل دیده شد. شاید منظور جزیره ایرانی «هنگام» باشد. - م.

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:
«ملیون ارومیه که اکنون به جنبش آمده‌اند حاکم ارومیه را به سلماس نقل نموده‌اند.»

نمره - ۱۴۷

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۵ آوریل)

از سن پترزبورغ، اول آوریل ۱۹۰۹

[۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار سواد مراسله واصله از مسیو ایسولسکی را که حاکی از اطلاع متزاید نمودن مستحفظین قنسولگری روس در استرآباد است لفا ارسال می‌دارم.

امضا نیکلسن

ملفوفه در نمره ۱۴۷

ترجمه مراسله مسیو ایسولسکی به سر نیکلسن

به تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۰۹

[۱۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

سفیرکبیر عزیزم

محترماً خواطر [= خاطر] شما را مستحضر می‌دارم که انقلاب مهم در استرآباد بروز نموده و ما مصلحت دیده‌ایم که ۲۵ نفر به عده مستحفظین قنسولگری خودمان در آن شهر بیفزاییم.

امضا ایسولسکی

نمره - ۱۴۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۶ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

دولت روس عده مستحفظین قنسولگری مشهد خود را اضافه نموده.

مسیو ایسولسکی امروز به من اطلاع داد که عیناً در تحت همان شرایطی که مستحفظین قنسولگری رشت اضافه شده بود عده مستحفظین قنسولگری مشهد هم اضافه شده.

نمره - ۱۴۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوردگری (واصله در ۶ آوریل)

از طهران، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز راپورت می‌دهد که اولین دفعه‌ای که شاه‌پرستان به داخل شهر بمبارده کردند دیروز در ضمن مقابله توپخانه طرفین بود. يك اندازه خرابی و خسارات به عمارات وارد شده و بسیاری از اشخاص خارج از جنگ مقتول و مجروح گردیدند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۶ آوریل)

از طهران، ۶ آوریل ۱۹۰۹

[۱۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اوضاع آذربایجان

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده.

«دسته‌ای که در اینجا خواهان اصلاح هستند سعی دارند که مستقیماً با شاه داخل

در مذاکرات صلح بشوند.»

در چندی قبل شهرت داشت که يك استعداد مکملی برای کمک و استخلاص از سلماس

خواهد رسید. ظاهراً این خبر به تحقیق پیوسته و از قرار معلوم استعداد مزبور به دز-

خلیل رسیده.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۷ آوریل)

از سن پترز بورخ، ۷ آوریل ۱۹۰۹

[۱۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

یادداشتی از طرف دولت روس به من‌رسیده مبنی بر اینکه نظر به ازدیاد مخاطرات

در شمال ایران و قصور اقداماتی که تا حال برای جلوگیری از عبور اسلحه و آنارشییست-

های قفقازی به ایران شده دولت روس رأی قطعی خود را بر این قرار داده که يك

فروند جہاز جنگی به انزلی بفرستد که در آنجا مقیم باشد و کشتی جنگی دیگری برای

انجام وظایف پلیسیه در خارج انزلی اعزام بدارد.

همین قسم اقدامات هم در خلیج استراباد خواهد شد.

نمره - ۱۵۲

تلگراف سرادواردگری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۷ آوریل ۱۹۰۹
[۱۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف ششم شهر جاری شما

باید از دولت روس تقاضا بنمایید که به مستحفظین روسی در مشهد تعلیمات
بدهند که در صورت لزوم محافظت جانی از اتباع انگلیس مقیم آنجا بنمایند.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹
[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف هفتم شهر جاری جنابعالی

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد تعلیمات داده خواهد شد که مستحفظین روسی
در مشهد جان و مال اتباع انگلیس را حفظ بنمایند.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹
[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در ضمن ملاقات امروز من با مسیو ایسولسکی، جناب معزی‌الیه به من اطلاع داد
که از طرف سفارت روس در طهران يك نفر ترجمان و پنج نفر قزاق به قزوین اعزام
شده که اجزای اداره راه را در آنجا محافظت بنمایند.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سرخارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۸ آوریل)

از طهران، ۸ آوریل ۱۹۰۹
[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اصفهان

بموجب راپورتی که از جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان رسیده انتظار هست که تا يك هفته دیگر سردار اسعد با يك عده سواری که از قرار مذکور دو هزار نفرند وارد اصفهان بشوند.

دو نفر از خوانینی که از طهران رفته بودند در پنجم شهر جاری از کاشان بعزم اصفهان حرکت کردند. چندین نفر خوانین از اصفهان حرکت خواهند نمود که در مورچه‌خورد آنها را ملاقات بنمایند. بختیاریمها در اصفهان اعلان داشته‌اند که در غره ماه نو (۲۰ شهر جاری) قصد عزیمت بطرف طهران را دارند.

نمره - ۱۵۶

تلگراف سرادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بموجب اطلاعی که به دولت روس رسیده اهالی تبریز حاضر خواهند بود که در صورت حصول شرایط مناسب و معقولی از شاه تسلیم بشوند. علی‌هذا دولت مشارالیهما پیشنهاد نموده‌اند که نماینده‌های دولتین انگلیس و روس مقیمین طهران به جنرال قنسولهای تبریز خودشان تعلیمات بدهند که نظریات خود را راپورت بدهند که چه طریقی را برای قرارداد بین شاه‌پرستان و ملیون میسر و مجری‌تر تصور می‌کنند برای اینکه از خونریزی که ممکن است در آن شهر واقع بگردد جلوگیری بشود.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

در طی يك تلگرافی مورخه امروز، جنرال قنسولگری انگلیس مقیم بوشهر راپورت می‌دهد یکی از دسته‌های متعددی که سید مرتضی داخل شهر نموده دیروز از اختیار او بیرون رفته و در عرض روز به يك قسمت از بازار هجوم بردند. در عرض شب سرقتهای بسیار واقع شده که بعضی متضمن مقدار معتنا بیهی مال‌التجاره انگلیس بوده. ماژرکاکس نیز اشعار می‌دارد که از اثر این حادثه امروز بازارها بسته شده.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۱۳۲۷ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل مورخه هشتم آوریل از جنرال قنسول مقیم بوشهر رسیده:

«وضع بیش از آنچه در تلگراف اخیر ماقبل خودم راپورت داده‌ام جالب اهمیت شده.»

همکاران روسی و عثمانی و آلمانی من امروز در باب لزوم مداخله دولت انگلیس برای اعاده نظم به من اظهارات فوری نمودند.

سید مرتضی مسؤولیت نگهداری نظم را بکلی از عهده خود منتزع می‌نماید. دستجات نامنظم تفنگچیان چریکی که او مجتمع نموده ظاهراً حالا بکلی عنان اختیارشان از کف ساقط شده.

از طرف دیگر دسته مشروطه‌خواهان صادق‌العقیده امروز به من اطلاع داده‌اند که ما قطع اتصال با سید مزبور نموده‌ایم و دیگر نمی‌توانیم مسؤولیت داشته باشیم. در عرض هفته ماضی آنها جد و جهد نمودند که یا او را طرد نمایند یا به‌صراط مستقیمی داخل نمایند ولی موفق نشدند.

امروز عصر من به سید مرتضی اطلاع دادم که با وصف اصرار او در نگهداری این تفنگچیان و تحمل طغیان نامشروع دیشب آنها من دیگر نمی‌توانم اظهارات صمیمیت و خلوص او را اعتقاد بنمایم. بعلاوه من او را مستحضر نمودم که اگر فوراً تفنگچیان را اخراج نکند یا عده آنها را خیلی کسر ننماید من به دولت متبوعه خودم راپورت خواهم داد که ما دیگر نمی‌توانیم به مقاصد حسنه شخصی که خود را پیشوای ملیون می‌نامد اعتماد بنماییم و برای حفظ منافع انگلیس باید اقدامات بشود. امروز غروب مشارالیه جواب داده است که اگر چه من هنوز کلیتاً مسؤولیت را از عهده خود ساقط می‌دانم باوجود این نهایت سعی را در استقرار نظم دارم و فعلاً در صدد پرداخت حقوق تفنگچیان خودم هستم و کمال جد و جهد را در طرد نمودن آنها خواهم داشت.

امشب شلیک منقلبه دیشبی تجدید شده و به نظر من همچو می‌آید که اگر عناصر شورشیه تا فردا طرد یا تکسیر نشوند نهایت لزوم را دارد که خودمان برای اعاده نظم اقدامات بنماییم.

چنانچه من مجاز بودم که به سید و رؤسای تفنگچیان اخطار بنمایم که اگر آنها به طیب خاطر عزیمت نمایند کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «فاکس» قشون و توپ پیاده خواهد کرد که آنها را طرد بنماید گمان می‌کنم تهدید کافی می‌بود در صورتی که دولت اعلیحضرتی انگلیس برای بموقع اجراء گذاردن این امر حاضر باشند.

من مبادرت به این اظهار می‌نمایم که این فقط یک مسئله مرتفع داشتن غارتگری است و مربوط به مداخله و ممانعتی در جنبش ملی نیست.»

نمره - ۱۵۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۹ آوریل)

از طهران، ۹ آوریل ۱۹۰۹

[۲۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر. امروز من تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر مخبره نموده‌ام:

«شما مجازید تهدیدی را که در تلگراف مورخه دیروز خودتان پیشنهاد نموده بودید بکار ببرید. اگر از این تهدید بهبودی حقیقی در اوضاع حاصل نشد شما ممکن است این امر را به موقع اجراء بگذارید.

در صورتیکه پیاده نمودن قشون لازم بشود قبل از پیاده نمودن باید اعلانی منتشر بنمایید مبنی بر اینکه این اقدام فقط برای حفظ اتباع انگلیس و سایر خارجه‌ها [= خارجی‌ها] است.

از این ترتیب به مسیو سبلین [سابلین] هم اطلاع داده شده.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ آوریل)

از طهران، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

از قرار مفهوم عده قشون شاه پرستان که اکنون در تحت فرماندهی نایب‌الحکومه شاهزاده فرمانفرما در کاشان هستند قریب ۱۶۰۰ نفرند. این احتمال مساوی است که آیا آنها با صمصام السلطنه جنگ خواهند کرد یا طرفدار او خواهند شد.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ آوریل)

از طهران، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

من نظریات مستر راتیسلا جنرال قنسول را در باب ارائه طریق دولت روس مندرجه در تلگراف هشتم شهر جاری شما به من، خواستار شده‌ام.

در نتیجه مذاکرات مقدماتی که ملیون مستقیماً با شاه نموده‌اند دسته مؤید صلح در تبریز امروز نماینده می‌فرستند که در باسمنج افتتاح باب مذاکرات صلح را بنمایند.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سرادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

[۲۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف نهم شهر جاری شما، تعلیمات شما به نمایندۀ دولت انگلیس در بوشهر را تصویب می‌نمایم.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۱ آوریل)

از طهران، ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

[۲۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

مذاکرات صلح بین تبریز و شاه راجع به تلگراف دیروز من

تلگراف ذیل مورخهٔ دهم آوریل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده: «اگر چه اجماع اهالی هر قرارداد رضایت‌بخشی را که متضمن تأمین جانی و مالی باشد قبول خواهند نمود ولی دستهٔ ملیون محتمل است هنوز برای گرفتن يك مشروطه‌ای استقامت بنمایند.

من تصور می‌کنم قبل از داوطلب شدن برای وساطت، ما تأمل بکنیم تا يك تقاضائی از طرف ملیون بشود یا لااقل منتظر موقع مقتضی بشویم. ضمناً من و همکار روسیم ممکن است در ارائهٔ طریقی که باید بشود موافقت نموده و بطور غیررسمی از ملیون استعلام بنماییم که چه شرایطی را حاضر خواهند بود، که قبول بنمایند.»

نمره - ۱۶۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۱ آوریل)

از طهران، ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

[۲۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

پیاده نمودن قشون بحری در بوشهر

تلگراف ذیل مورخهٔ دهم شهر جاری از طرف جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر به من مخابره شده:

«چون جواب مهمی در مقابل التیاماتی که به ترتیب مصوبهٔ جنابعالی دیروز در ساعت پنج بعداز ظهر نمودم نرسید من برطبق تعلیمات جنابعالی اعلانی اشاعه داده و صدنفر از قشون را از کشتی پیاده نمودم. تفنگچیان هنوز در جزیره بودند و بیشتر از هر وقت خودسر و خارج از اطاعت. برای تمام اروپاییانی که محتاج حفاظت بودند

مستحفظ گماشته شد.

در پیاده شدن قشون هیچ مخالفتی ظاهر نگردید و بدون هیچ نوع تصادفی پیاده شدند. پنجاه نفر از آنها درگمرک گماشته شد و پنجاه نفر درقنصلخانه انگلیس در شهر.»

نمره - ۱۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ آوریل)

از طهران، ۱۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل را جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز مخابره نموده:
«انجمن اظهار امیدواری کامل در امکان نجات شهر به دست قشون امدادی از سلماس که علی قول ۳۰۰۰ نفرند می نماید (محتمل است این تعداد اغراق باشد). بموجب مکتوبی که از این استعداد رسیده آنها در صدد حمله بردن هستند.»

نمره - ۱۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ آوریل)

از طهران، ۱۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲۳ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل را جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز به من مخابره نموده:
«دیروز در جنرال قنصلگری انگلیس اجلاسی منعقد گردید که قنصلهای فرانسه و عثمانی و روس و آمریکا در آن حضور داشتند. آراء براین قرار گرفت که نظر به ترتیبات حاضر از سفارتهای متبوعه خودمان خواهش بنماییم که ۱۷۱ خروار آرد برای ما بفرستند هفت خروار برای مصرف اتباع انگلیس در شهر و بقیه برای اتباع خارجه و خانواده شان.»

«اگر چه انجمن ایالتی هنوز اقدام قطعی در این مسئله ننموده ولی از قراری که بر من معلوم شده تا حال صلاحیت این مطلب موضوع مذاکره بوده که به قنصلها اخطار بنمایند که من بعد شهر نمی تواند آذوقه به اتباع خارجه برساند. گرچه اتباع انگلیس مثل سایرین اینقدرها در فشار و مضیقه نیستند ولی مسئله تحصیل آذوقه برای متابعین قنصلگری ممکن است هرآن بروز بنماید و ما در تهیه اغذیه برای مستخدمین خودمان با مشکلات معتنا بیهی مصادف هستیم.»

نماینده های دول پنجگانه در مفاد فوق مراسلات به دولت ایران تقدیم داشته اند. پس از مشاوره با جنرال قنصل انگلیس، من از دولت مشارالیه تقاضا نموده ام که دستورالعمل کلی به عین الدوله داده بشود که در صورت تقاضای مستر راتیسلا

وسایل رفتار اطمینان بخشی را برای تمام اتباع انگلیس فراهم بنماید.
به شارژ دافر عثمانی که ۵۰۰ نفر اتباع در تبریز دارد خبر رسیده است که شاه
از اجازه دخول آرد به شهر امتناع خواهد نمود.

نمره - ۱۶۷

مراسله سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۰ مارس ۱۹۰۹

[۳۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۷ صفر ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار سواد مراسله ای را که در ماه فوریه، وقتی که در اینجا اشتهار داشت که
عین الدوله یورش عمومی به شهر تبریز را در نظر دارد، به دولت ایران نوشته ام لفاً
تقدیم می دارم. و نیز سواد مراسله ای را که بر طبق تعلیمات مندرجه در تلگراف پنجم
شهر جاری جنابعالی در باب جنرال قنسوگری دولت انگلیس و جان و مال اتباع انگلیس
در آن شهر به دولت ایران اخطار نموده ام به انضمام جوابی که در این موضوع از وزیر
امور خارجه رسیده لفاً ارسال می دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه اول در نمره ۱۶۷

مراسله سرچارچ بارکلی به سعدالدوله

طهران، ۲۱ فوریه ۱۹۰۹

[۳ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۹ محرم ۱۳۲۷]

جناب مستطاب... وزیر

در بعضی مراکز طهران مشهور است که عین الدوله در صدد یورش بردن به تبریز
است. من نمی دانم چه اعتباری به این اشتهارات می توان انتساب داد ولی وظیفه خود
می دانم که از جنابعالی خواهش بنمایم که مقرر دارید احکام مؤکده به تمام فرماندهان
قشون شاه صادر بشود که در صورت هر نوع یورشی به شهر جنرال قنسوگری دولت
انگلیس باید در نهایت مواظبت منظور و متوجه بگردد و خاطر محترم را متذکر می دارم
که برای هر صدمه و خسارتی که به اتباع و منافع انگلیس وارد بیاید دولت ایران
مسؤل خواهد بود.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه دوم در نمره ۱۶۷

مراسله سر جارج بارکلی به سعدالدوله

طهران، ۹ مارس ۱۹۰۹

[۱۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۷]

جناب مستطاب... وزیر

من از طرف دولت اعلیحضرتی انگلیس مأمورم که اخطار بنمایم که برای هر صدمه و خسارتی که بواسطه اعمال قشون شاه به جنرال قنسولگری انگلیس در تبریز وارد بیاید دولت ایران مسؤل خواهد بود.

چنانچه خاطر محترم جنابعالی مسبوق است، قبل از این هم مفتخراً برای لزوم مراقبت کامل در حفظ مراتب جنرال قنسولگری دولت انگلیس به دولت ایران اخطار نموده ام ولی چون تاحال جوابی در مقابل این مراسله نرسیده است من مجدداً مبادرت به مراجعه به این مطلب نموده ام.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه سوم در نمره ۱۶۷

مراسله سعدالدوله به سر جارج بارکلی (واصله در ۱۹ مارس ۱۹۰۹)

[۲۹ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۷]

در جواب مراسله مورخه نهم شهر جاری جنابعالی در موضوع تعلیماتی که از طرف دولت فخیمه انگلیس راجع به تبریز و اعمال قشون ایران به جنابعالی رسیده با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر می دارم که دوستدار مسئله را به عرض اعلیحضرت همایونی رساندم و احکام لازمه به مأمورین مخابره شد.

بعلاوه، به دوستدار امر شده که ضمناً خاطر محترم را مطلع بدارم که مادامی که جنرال قنسولگری در تبریز و اتباع انگلیس به متمرّدین تقویت نمایند و به آنها معاضدت نکنند و در جزو متمرّدینی که با قشون مدافعه می نمایند داخل نشوند دولت ایران تأمین جانی و مالی اعضای جنرال قنسولگری دولت انگلیس را ضمانت می نماید.

امضا سعدالدوله

نمره - ۱۶۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۲ مارس ۱۹۰۹

[۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۷]

آقا، مسیو بیزو راپورت خود راجع به مالیه را به انجام رسانیده و ملاحظت نموده اختتام رأی خود را به من اطلاع داده که ممکن است خلاصه آن را از قرار ذیل شرح داد: از اقوی استدراکی که او توانسته از بودجه حاصل بنماید معلوم شده که امسال ۳۶،۰۰۰ لیره کسر دارد. در اینصورت کسر حقیقی سالیانه باید خیلی بیش از این

مبلغ بشود چونکه مخارج در این بودجه قلمداد نشده. يك رشته از كسوری كه هر ساله تولید شده قرض نامحدودی بوجود آورده كه متصل در تزايد است.

بعلاوه ۳۲،۵۰۰،۰۰۰ منات قرض به دولت روس و ۲۹۰،۰۰۰ لیره قرض به ما در ماه اکتبر گذشته دولت ایران لاقبل ۱،۸۵۰،۰۰۰ لیره مقروض بوده و از آن وقت تا به حال مبلغ معتنا بیهی به این اضافه شده. این به استثنای دعاوی خارجه است یعنی از بابت مسروقات پستی و طرق (كه آنهم باید مبلغ گزافی باشد). يك قسمت این قرض مشتمل به استقراض از دو بانك است كه بعضی از آن را اساساً افراد خصوصاً وزرای كاپینه و شاهزادگان منسوبین به سلطنت قرض نموده اند ولی دولت حاضر به عهده گرفته است (كه بی شبهه مجلس در آن خصوص گفتگو خواهد نمود) و يك قسمت دیگر حوالجات لاوصولی است كه از بابت مالیات به شعب مختلف حواله شده. برای استعلاج ۲۲ مسیو بیزو اقدامات ذیل را توصیه می نماید:

(۱) بودجه باید بقاعده ترتیب داده بشود؛
(۲) خزانه دار كل اروپایی باید تعیین بشود كه بودجه مزبور را بموقع اجراء بگذارد؛

(۳) تأسیس دیوان محاسبات.
این بودجه ناگزیر متضمن يك كسری خواهد بود مگر اینکه:
(۱) مالیاتی كه در شهرها متعجبانه سبك است زیاد بشود؛
(۲) صورت مستمریات جرح و تعدیل بشود؛
(۳) قریب ۱،۲۰۰،۰۰۰ لیره قرض دولت به دو بانك تبدیل به قرض دیگری بشود. نظر به مصارف لازمه برای اصلاحات حتی به این نهج هم باز تا چند سال كسر خواهد داشت.

يك استقراضی برای تبدیل قروض بانك و برای تأدیة طلب سایر طلبكارها و مصارف اصلاحات لازم خواهد بود. تا يك پرگرامی برای اصلاحات ترتیب داده نشود و طلب سایر طلبكاران خصوصاً دارندگان حوالجات لاوصول حساب نشود مبلغ این استقراض را نمی توان تعیین كرد.

صورتی به مسیو بیزو ارائه شده كه بموجب آن مبلغ حوالجات تأدیة نشده تا قبل از سنه ۱۹۰۸ بالغ به ۵۴۰،۰۰۰ لیره می شود. مسلماً از آن زمان تا حال باید این مبلغ زیادتیر شده باشد ولی بی شبهه در موقوع رسیدگی به حساب دارندگان این حوالجات مبلغ معتنا بیهی از آن تكسیر خواهد شد.

در خاتمه مسیو بیزو در لزوم سرعت تعیین يك نفر خزانه دار كل اروپایی تأکید می نماید.

امضا جارج باركلی

(۲۲) به همین گونه است در اصل - ولی گویا منظور استعجال [= با شتاب کاری را خواستن، در انجام کاری شتاب داشتن] - علی العجالة بوده است - م.

نمره - ۱۶۹

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۳ آوریل)
از طهران، ۲۳ مارس ۱۹۰۹
[۳ فروردین ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۳ شهر ماضی خودم باکمال افتخار حوادث در ماه گذشته رشت را ذیلا راپورت می‌دهم:

چنانچه در تلگراف اول مارس خودم راپورت دادم وزیر امور خارجه در طی يك مراسله ای مورخه ۲۸ فوریه [۱۰ اسفند ۱۲۸۷؛ ۷ صفر ۱۳۲۷] شرح تلگرافی را اشعار داشته بود که از طرف مجلس مشاوره وزراء به علماء و اعیان و اهالی گیلان مبنی به تقبیح سپهدار و اخطار به آنها که از شورش احتراز بنمایند و تخویف آنها به اهدار ۲۳ جان و مال مقصر و بیگناه متساویاً، در صورت تجمیز قشون دولتی به رشت برای مرتفع داشتن هیجان، مخابره شده بود.

در دوم مارس کفیل ویس قنسولگری رشت تلگراف نمود که فعلا بروزات جدیدی نیست ولی بیست یا سی نفر قفقازی باهر کشتی وارد می‌شوند و انتظار هست که با جهاز پستی که در همان روز وارد شدنی است پنجاه نفر قزاق روسی به اسم مستحفظین قنسولگری بیایند. بهر حال مستحفظین تا بیستم مارس پیاده نشدند. در ۲۲ مارس تلگرافی از طرف انجمن ایالتی گیلان به من رسید که سواد آن هم برای سایر نماینده های خارجه مقیمین طهران فرستاده شده بود. تلگراف مزبور تذکار می‌نمود که ملیون دائماً برای تأمین اتباع خارجه در جد و جهد هستند.

در خاتمه سواد یادداشتی را که مستر چرچیل هنگام عبور خودش از راه رشت در مراجعت از اروپا راجع به اوضاع آنجا و کنترلی که ملیون در قسمت شمالی جاده رشت به طهران برقرار نموده اند نگاشته است لذا ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۶۹

یادداشت مستر چرچیل

در چند روز قبل که من از رشت عبور می‌نمودم به دیدن سردار همایون و سردار معتمد رفته و شرح حوادثی را که در هشتم فوریه و بعد از آن در آنجا رخ نموده بود از آنها اکتساب نمودم. بعلاوه بر حسب اظهار اشتیاقی که از طرف سپهدار در ملاقات من شد معزیه را هم دیدن کردم ولی در عرض مدت ملاقات من با ایشان یکی از

اعضای کمیته رولوسیونر ۲۴ها هم حضور داشت.

هم از مناظره شخصی خودم، هم از اکتساباتی که از منابع مختلفه نمودم کاملاً بر من مکشوف گردید که کلیه طرح نقشه این هیجان رشت در قفقاز ریخته شده و بتوسط يك عده قفقازی داوطلبی که تعداد آنها بالغ بر پنجاه نفر نبوده به موقع اجراء گذارده شده. در عرض شش ماهه‌ای که از آن زمان گذشته بر عده اینها افزوده شده و از قراری که به من اظهار شده فعلاً علی‌التخمین عده آنها به ۳۵۰ نفر رسیده. در این ضمن يك عده معتنا بهی از ایرانیان تبعید شده هم به رشت آمده‌اند. سه نفر اخوان برادرزاده‌های سردار منصور که موسوم به معزالسلطان و عمیدالسلطان و کریمخان‌اند در عرض این مدت معیت خیلی نمایانی با قفقازیان نموده‌اند.

بازارها باز بود و تجارت در يك روش معنوی جریان داشت بیدقهای سرخ تقریباً در بالای هر خانه‌ای متصاعده ۲۵ بود و منازلی که این علامت حریت را مظهر خود قرار نمی‌داد بیدق روس یا بیدق عثمانی را مرئی می‌داشت که دال بر محروسیت سکنه آنها در تحت حفاظت دول مشارالیه می‌بود. من نیز دو بیدق انگلیس را هم رؤیت نمودم. در ضمن صحبت سپهدار اظهار داشت که من در تقویت مشروطه مصمم شده‌ام و مادامی که قشون به مقابله من اعزام نشود در استقرار نظم در رشت مداومت خواهم نمود. ولیکن اگر قشون بر علیه [= علیه] من تجهیز بشود مسؤلیت نتایج آن را نمی‌توانم به عهده بگیرم اگر چه من اطمینان دارم که با هر عده قشونی که شاه بتواند گسیل بدارد می‌توانم مقابله نمایم. من از این نوع اعمال از قبیل توقیف شعاع السلطنه اظهار کراهت نمودم و سپهدار به من اطلاع داد که تا حال با این اقدام قفقازیان مخالفت نموده و تهدید نموده‌ام که اگر در تعقیب این روش مداومت بنمایند من از رشت عزیمت خواهم نمود.

کاملاً واضح بود که در باب ورود بظاهر غفلتی سپهدار در موقع قتل حکمران با نهایت دقت قبلاً با قفقازیها قرار داده شده بود ولی از طرف دیگر، همانطور مطمئنم که نه سردار همایون و نه سردار معتمد با قاتلین همدست بوده‌اند اگر چه گمان می‌کنم که ظن عمومی درباره آنها اینطور است که مشارکت داشته‌اند. این باور نکردنی است که این دونفر اشخاص خائف با داشتن سابقه از ورود قهری يك دسته قفقازی به مدیریه به قصد قتل حکمران و یکی دونفر اشخاص دیگر مظنون به ارتجاعی در آن روز دوشنبه مهلك (۸ فوریه) برای قمار به آن محل رفته باشند. چنانچه آنها داخل در این قضیه می‌بودند مسلماً برای حضور نداشتن در محل شلیک که احتمال تصادف بایک گلوله به خطا یا حتی به اشتباه زده شدن می‌رفت عذری می‌جستند چونکه قفقازیان هیچیک از آن جمع را صورتاً نمی‌شناختند.

معزالسلطان آن دسته را راهنمایی به مدیریه کرد و خودش حاکم را که در صدد پنهان شدن بود پیدا کرده و سرداری او را نگاهداشته بود تا قفقازیان او را مقتول

(۲۴) رولوسیونر: انقلابی - م.

(۲۵) به همین گونه است در اصل - م.

نمودند.

جاده به طهران قریب صد میل الی «یوزباشی چای» را من در تحت سلطه قفقازیان دیدم. من هیچ سنگری درراه ندیدم ولی در نقاط بسیار خندقها درست نموده و برای دفاع از عبور از پل منجیل اقدامات کرده بودند و به همچنین در بسیاری از مقامهای سهل الدفاع دیگر در جاده. در چهار نقطه دسته‌های مختصر مأمورین من را نگاهداشته و در باب شغل و مقصد و جنس بنه من تحقیقات نمودند. اگر چه بلیط عبور معمولی کمیته جنگی رشت را که فعلاً به کلیه مسافرین که اجازه حرکت از رشت را دارند داده می‌شود من همراه نداشتم ولی در اقناع نمودن آنها اشکالی نداشتم. بموجب شماره من، بالغ بر شصت نفر مردمان مسلح در عرض راه بودند و دسته‌ای که پس از مقتول نمودن یکی از خوانین کرد و یک نفر از ملتزمینش در شب دوازدهم مارس از طرف شاه به «یوزباشی چای» اعزام شده بود بطرف رشت مراجعت می‌کردند مرکب از ۲۴ نفر سوار بود [که] به نظر من همه آنها قفقازی بودند.

تقریباً سی نفر قفقازی در کشتی که من با آن از بادکوبه به انزلی مسافرت نمودم بودند که به فاصله قلیل مدتی بعد از حرکت از بادکوبه یک مقدار اسلحه ابراز داشتند. همکاران آنها در رشت با تمهیت و شادی کامل آنها را پذیرفتند. در رشت سپهدار و سایرین به من اطلاع دادند که این اشخاص اتصال می‌آیند و بموجب تخمین من قریب سیصد نفر از آنها در آنوقت در رشت بودند.

از طهران، ۱۸ مارس ۱۹۰۹

[۲۸ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۷]

امضا ج. پ. چرچیل

نمره - ۱۷۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در ۲۵ شهر ماضی قشون عین الدوله و حاکم مراغه شروع به یورش به تبریز نمودند. بمباردمان به سنگرهای شهر در عرض ۲۴ و ۲۶ ممتد بود ولی بدون هیچ اثری و قشون شاه پرستان بالاخره با تلفات بسیار عقب نشانده شدند.

این مجاهدت قشون شاه برای مقهور نمودن تبریز بی‌شبهه همان یورشی است که معتمدانه در باغ شاه امیدوار بودند که باعث تسلیم شهر خواهد شد چنانچه در مشروح ۲۵ شهر ماضی خودم اطلاع دادم. قصور عین الدوله در انجام مقصود خودش او را مجبور به بازگشت به باسمنج نمود و هیچ مجادله دیگری واقع نشد تا پنجم شهر حال که قشون مراغه از خط قره‌مک که بتازگی متصرف شده بودند شروع به یورش

نمودند و در همان وقت توپخانه باسمنج محله خیابان را بمبارده کرد. این بمباردمان بی‌ثمر بود و عاقبت توپخانه به مقام خود بازگشت نمود. قشون مراغه هم با تلفات کثیره عقب نشانده شد. در پنجم یا ششم ماکوپیها مرند را اشغال نمودند و قره‌داغیها در تحت سرکردگی رحیم‌خان در ۱۵ جلفا را تصرف نمودند ولی ظاهراً بعد از آن ملیون مجدداً آنجا را تصرف نمودند. انهدام قراء حوالی جلفا و رفتار وحشیانه با اهالی بتوسط رحیم‌خان چنانچه در تلگراف ۲۲ خودم را پورت دادم مبنای اظهارات مشترکه من و همکار روسیم به دولت ایران گردید.

در سوم شهر حال رحیم‌خان سیم تلگراف کمپانی تلگرافی هند و اروپا بین تبریز و جلفا را قطع نمود، مستخدمین کمپانی از ترس تابعین رحیم‌خان جرئت بیرون رفتن از تبریز برای تعمیر سیم را نمی‌نمودند و با وجود احکامی که عین‌الدوله اظهار می‌داشت صادر نموده رحیم‌خان امتناع نمود که بگذارد نماینده کمپانی در تبریز در اجرای تعمیرات اقدام بنماید. در همان ضمن شارژ دافر روس پرتست سختی به دولت ایران نموده و از جانب کمپانی دعوی روزی پانصد لیره خسارت در عرض مدت خرابی سیم را پیشنهاد کرد. اظهارات او که من تأیید نمودم بالاخره منتج به این گردید که او امر مستقیم به رحیم‌خان شد و در ۱۹ مجدداً مخابرات مفتوح شد.

امضا ج. بارکلی

مجدد: سواد مکتوبی را که مستر راتیسلا جنرال قنسول نگاشته و جزئیات جنگ در ۲۵ شهر ماضی و ۵ شهر حال را شرح داده لفاً ارسال می‌دارم. عبارت اخیر این مکتوب خرابی را که قشون شاه وارد نموده‌اند مختصراً شرح می‌دهد. ج. ب.

ملفوفه در نمره ۱۷۰

مکتوب مستر راتیسلا جنرال قنسول به سر جارج بارکلی

از تبریز، ۷ مارس ۱۹۰۹

[۱۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۷]

آقا

در دو یورش که قشون مراغه در تحت سرکردگی صمدخان به تبریز بردند یورش دومی با قوای زیادتر و عزم جزم‌تری بود ولی حتی در حمله اولی در ۲۵ فوریه هم مهاجمین رشادت غیرمنتظره‌ای بروز دادند و اگر چه چندان کار بر مدافعین سخت نشد ولی بالاخره برای عقب‌نشاندن دشمن حضور شخص ستارخان و چندین صد نفر اشخاص لازم گردید. حمله از سرد رود شروع شد و جنگ در خیابانهای خطیب در جلو مقامهای خارجی ملیون درگرفت. يك نفر از شاه‌پرستان اسیر و نعلش ده نفر از آنها از جوار سنگرهای ملیون برداشته شد. از رد خون در برف واضح بود که يك عده زیادتری مقتول و مجروح را رفقایشان صبح زود حرکت داده بودند. تلفات ملیون سه نفر مقتول و پنج نفر مجروح بود.

در دوم مارس صمدخان مرکز خود را از سرد رود به قره‌مک که قریه بزرگی

در طرف شرقی است و خیلی به تبریز نزدیکتر است تبدیل نمود و در طلوع صبح پنجم شهر حال يك عده کثیری مرکب از سواران چهار دوالی و پیاده نظام با يك عراده توپ در جاده‌ای که به محله‌های اهونی و حکم‌آباد می‌رود پیش آمدند. آنها راهی برای دخول به حکم‌آباد بدست آوردند ولی در عوض تعقیب پیشرفت خودشان چهار دوالیها شروع به غارت خانه‌ها نمودند و به این واسطه فرصت به دست قشون امدادی ملیون دادند که در رسیده و در ساعت چهار هردو یورش را عقب نشانده و قشون شاه‌پرستان کاملاً منهزم گردیدند. حتی آنها نتوانستند يك قسمت بیشتر از اموال منهبوبه از حکم-آباد را با خود ببرند. پنج نفر از آنها به اسیری گرفتار شدند و بعلاوه غنیمتهای میدان جنگ از قبیل طبل و الاغ حامل نهار [= ناهار] صمدخان هم به دست فاتحین افتاد. نعش دوازده نفر از شاه‌پرستان را برداشته به شهر آوردند. مجموع تلفات آنها، مقتول و مجروح، باید يك مقدار معتنا بهی شده باشد.

از طرف ملیون پنج نفر مقتول و ده دوازده نفر مجروح بود. این یورش باعث تزلزل و نگرانی بسیار در تبریز شده بود چون در حقیقت حکم‌آباد يك قسمت از شهر است و شاه‌پرستان قبل از این اینقدر نزدیک به شهر نیامده بودند یا همچو ایستادگی و عزمی بروز نداده بودند. در این مجادله يك عده از ملاها به قشون ملیون ملحق شده بودند و اگرچه نباید انتظار داشت که آن مقدسین محترم چندان قتال واقعی نموده باشند ولی مسلماً حضور آنها باعث تشجیع مردان جنگی شده.

در این جنگ، چنانچه در سایر مواقع هم، ستارخان رشادت شخصی قابل تحسینی بروز داد ولی او خیلی بیش از اندازه‌ای که يك نفر سرداری که تمام حسیات ملی در تبریز بسته به حیات او است خود را در معرض خطر می‌گذارد. در طی مجاهدت بی‌نتیجه‌ای که در ۲۲ فوریه برای افتتاح راه جلفا بعمل آمد يك موقعی او در نهایت خطر بود که قسمت عمده قشون او از او جدا شده بودند و او با يك عده قلیلی ارامنه در يك مقام متزلزلی مانده بودند که با زحمت بسیار خود را از آنجا مستخلص نمود. باضافه، در پنجم شهر حال، معزیه‌الیه انسانیت خود را مشهود داشت که بواسطه اقدام در نجات اسراء از دست يك جمع غضب‌آلوده‌ای تا حدی شخص خود را با مخاطرات مصادف نمود.

اعمال اردوی باسمنج بکلی مجهول و مبهم است. در ۲۵ فوریه اردوی مزبور بواسطه يك بمباردمان ضعیفی به محله خیابان یورش به خطیب را تقویت نمودند ولی نتیجه آن فقط مجروح شدن دو نفر از ملیون بود. این بمباردمان با همان قسم فقدان اثر روز بعد هم تجدید شد و سنگری که در عرض تمام روز سه عراده توپ به آن شلیک می‌نمودند به هیچ وجه با یکی از گلوله‌های توپ تصادف ننمود لیکن از شلیک تفنگ ملیون قدری صدمه به توپچیان وارد شد.

در ضمن حمله‌ای که در پنجم به حکم‌آباد شد مجدداً خیابان را بمبارده نمودند ولی در این وهله ملیون به محل توپخانه شاه‌پرستان حمله بردند و قبل از عقب نشانده شدن صمدخان معجلاً توپها عودت داده شد. هرگاه يك یورش کاملی به خیابان برده شده

بود مانع مدد رساندن باقرخان که فرمانده آن خط است به ستارخان می‌شد و ممکن بود کار بر او سخت بشود.

در همان روز دسته قلیلی از سواران شاه‌پرستان با پیش‌قراول ملیون در خطیب روبرو شدند و مدافعین توپهای خود را برداشته تا سنگرهای داخلی عقب نشستند لیکن محل پیش‌قراول را مجدداً در همان روز تصرف نمودند.

از بیانات اسراء همچه استنباط می‌شود که به تمام عساکر شاه‌پرستان تعلیم شده که تبریزیها بابی شده‌اند و مجادله با آنها از فرایض مذهبی است.

از وقتی که قره‌داغیها سیم تلگراف کمپانی هند و اروپا را قطع نموده‌اند از اعمال آن راهزنان کمتر اطلاعی بدست آمده ولی از قراری که راپورت داده شده و به عقیده من متضمن صحت هم هست آنها مرنده را تصرف نموده و در کار تهدید نمودن جلفا هستند. آنها هیچ وقعی به اوامری که عین‌الدوله به آنها می‌نماید قرار نمی‌دهند. در هفته ماضی يك نفر مسافر یونانی و يك نفر مسافر سوئیسی را که به جلفا می‌آمده و سفارش‌نامه‌ای از نواب معظم‌الیه [= معظم‌له] با خود داشته‌اند لخت نموده و تمام متعلقات آنها را به سرقت برده‌اند.

مسئله نان هنوز در شهر غامض نشده اگر چه مقداری که تهیه می‌شود بندرت کفاف احتیاجات یومیه اهالی را می‌دهد. در ۲۸ فوریه يك ناوایی که با وجود اخطار قیمت آرد را گرانتر از نرخ معینه انجمن فروخته بود بقتل رسید و روز بعد يك نفر مرتجع به تقصیر خیانت به همان نوع مجازات گرفتار شد.

وضع عمومی ایالت بیش از آنچه بتوان شرح داد بد است. از زنجان تا باسمنج دهاتیانی که قشون شاه‌پرستان آنها را از هستی ساقط نموده‌اند در عرض چاده هرکسی را که بتواند بدست بیاورند لخت و سرقت می‌نمایند. قره‌داغیها در راه جلفا به هر چه دسترسی یافته‌اند غارت کرده‌اند.

امضا . ا. س. راتیسلا

نمره - ۱۷۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

جنبش ملی فعلا تا بنادر خلیج فارس منبسط گردیده. بوشهر و بندرعباس سر از انقیاد و اطاعت شاه پیچیده و بدون خونریزی در تحت سلطه سلسله ملی قرار گرفته‌اند.

در آخر فوریه قنصلگری دولت فخمه از بوشهر راپورت داد که سید مرتضی اهرمی یکی از ملاحای نامی بوشهر در صدد است که يك عده از تفنگچیان ایلیاتی را به قصد

تولید انقلاب وارد بوشهر بنماید. ماژور کاکس شرحی به حکومت محلی نوشته و تأکید نموده که اگر این شهرت متضمن صحتی است اقدامات احتیاطی را بعمل بیاورند. کفیل جنرال قنسولگری روس با ماژور کاکس مشورت نموده و اظهارات مجدد به نایب‌الحکومه کردند و او جواب داده بود که مشغول اقدامات لازمه برای جلوگیری از اغتشاش هست.

بعلاوه ماژور کاکس راپورت داد که در اواسط فوریه ملیون تهدید می نمودند که داخل بندرعباس شده و گمرک را تصرف بنمایند. او اظهار می دارد که به هر صورت فعلا نظر به خوف از مداخله خارجه بواسطه رؤیت جهاز جنگی خارجه از هیجان احتراز شده و ورود کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «پرسیوس» در ۱۶ فوریه [۲۷ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۷] به بندرعباس تا چند روزی اثرات سکون و آرامی بخشید. به هر صورت در ۱۷ مارس [۲۷ اسفند ۱۲۸۷؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۷] راپورت رسید که نظر به تأکید و فشار علمای نجف و سید لاری ملیون در بندرعباس مهام حکومت را در دست گرفته و گمرک را تصرف نموده و کارگزار را به سمت حکومت تعیین کردند. در طی تلگرافی که حاکی این خبر بود قنسولگری انگلیس از بوشهر اشعار داشته بود که از صاحب منصب ارشد بحری تقاضا شده یک فروند کشتی جنگی برای محافظت اتباع انگلیس به بندرعباس اعزام دارند. ماژور کاکس نیز اظهار داشته بود همچو تصور می کنم که قنسول دولت فخمیه باید شخصی را که عملا حاکم است به این سمت بشناسد و تجار انگلیس در گذراندن مال التجاره خود از گمرکخانه باید گمرک را به اشخاصی که متصدی و مجری هستند بپردازند. من جواب دادم که قنسول انگلیس باید بدون اینکه کارگزار را رسماً به سمت حکومت بشناسد. با او معامله بنماید و باید به کارگزار اظهار بدارد که گمرکات جنوب نزد دولت انگلیس مرهونند و تقاضا بنماید که عایدات گمرک بندرعباس به قنسولگری تحویل بشود. دیگر اینکه من در کار اطلاع دادن به دولت ایران هستم که گمرک وارداتی که تجار انگلیسی به ملیون پرداخته اند کاملاً تأدیه شده محسوب است باین معنی که بکلی ذمه آنها بعد از گمرکی که داده اند بری خواهد بود و عایدات گمرک را هم از ملیون مطالبه نموده و از بابت مرابحه وجه استقراری خودمان که گمرکات جنوب وثیقه آن است و موعدهش منقضی شده محسوب خواهم داشت. دیگر ماژور کاکس راپورت داده که رئیس بلژیکی گمرک را مخیر نمودند که یکی از دو شق را اختیار نماید یا داخل در استخدام ملیون شده و عایدات را به آنها بپردازد و یا از گمرک خارج شود و مشارالیه شق ثانی را مرجح دانست.

اخبار دیگر مبنی بر این بود که نظم و تمشیت واقعی برقرار داشته اند ولی خطر در این مسئله است که همه کس در شهر مسلح است و دستجات مسلح هم اتصال از داخله وارد می شوند. در ۲۳ مارس [۳ فروردین؛ یکم ع ۱۰] قنسول انگلیس مقیم بندرعباس از ملاقات خودش با کارگزار راپورت داد. کارگزار استفسار نموده بود که آیا دولت انگلیس می خواهند که کلیه عایدات گمرک به آنها تسلیم بشود و آیا به پرداخت نصف عایدات یومیه به قنسولگری اقتناع خواهند شد یا خیر. کاپیتان شکسپیر در ضمن راپورت

دادن این مذاکره اصرار نمود که برای خاطر آرامی و سکونت صلاح براین است که یک قسمت از عایدات گمرک به ملیون تفویض بشود که به مصرف حقوق اشخاص تحت السلاح برسانند علی هذا من به او اختیار دادم که عقیده خود را در این مسئله اعمال نماید.

سرعت سیر حوادث در بندرعباس ظاهراً امور را در بوشهر هم به اقصی نقطه رسانیده است. در ۱۷ مارس قنصلگری بوشهر راپورت داد که تا حال اهالی اینجا از متابعت با نقشه ملیون مردد بوده اند لیکن احتمال آن می رفت که اخبارات بندرعباس باعث ترغیب آنها در تعقیب همان روش بگردد. حاکم در شهر حاضر نیست و ندرتاً می توان انتظار داشت که قشون ساخلو که مرکب از دوست نفر سرباز اصفهانی است تقویت مهمی از اداره گمرک یا مأمورین محلی بر علیه [= علیه] دسته ملیون بنمایند. ماژور کاکس نیز اشعار داشته بود که در باب اوضاع با همکار روسی خودش مشاوره نموده و اگر چه فعلاً دلیلی برای خوف و احتیاط از تعرض و صدمه اتباع خارجه موجود نیست مع هذا نظر به امکان اغتشاش عمومی و مسئله مرهون بودن عایدات گمرکات بوشهر نزد ما مصلحت در آن است که یک فروند کشتی جنگی برای حفظ منافع خودمان به فاصله دسترسی داشته باشیم.

در ۲۲ مارس به من راپورت رسید که سید مرتضی اهرمی یک عده تفنگچی تنگستانی داخل شهر نموده و با سکونت، سررشته مهمام حکومت را از جانب ملیون در دست گرفته و مأمورین عمده محلی مستعفی شده اند و اگر چه تا حال مداخله ای در گمرک نشده ولی مسئله تصرف آن در تحت مذاقه و امان نظر است. کاپیتان ترور که هنگام غیبت ماژور کاکس کفیل قنصلگری دولت فخریه بود بعلاوه اشعار داشته بود که در صدد اطلاع دادن به سید است که عایدات گمرک نزد دولت فخریه مرهونند. من جواب دادم که من مخالفتی با تصرف نمودن ملیون گمرک را ندارم بشرط اینکه یک قسط ماهانه ای مرتباً به بانک شاهنشاهی پرداخته بشود که فرع استقرار دولتی ما و فرع قروض بانک شاهنشاهی را مستهلک بدارد.

در ۲۳ مارس کاپیتان ترور راپورت داد که سید مرتضی رسماً به قنصلخانه ها نوشته و اعلام داشته است که خودش مهمام حکومت را از جانب ملیون در دست گرفته و وظایف مأمورین محلی را موقتاً عهده دار است و ترتیب حفظ جان و مال اتباع خارجه را خواهد داد. تا حال خلاف نظم و اغتشاشی واقع نگردیده و مداخله ای هم در گمرک نشده ولی سید اظهار داشته که در این موضوع به تیریز مراجعه نموده. برای اینکه امورات محلی قنصلگری به عهده تعطیل نیفتد کاپیتان ترور استعلام نمود که آیا او می تواند با شخصی که عملاً حاکم است رسماً ارتباط داشته باشد و من جواب دادم که ممکن است بدون اینکه بالصراحه او را به این سمت بشناسد با او معامله بنماید.

اخبارات اخیره مبنی بر اینند که در ۲۳ مارس سید گمرک را تصرف نمود و مأمورین بلژیکی خارج شدند. صبح همان روز اجلاسی در منزل میرپنج فرمانده قشون ساخلو دولتی واقع شد که سید مرتضی از جانب دسته ملیون و کارگزار و رئیس پستخانه و

رؤسای سایر دوایر و تقریباً شش نفر از تجار محترم در آن حضور بهم رساندند. همینکه به میرپنچ اصرار شد که آیا او باملیون همراه است یا مخالف، مشارالیه استعفای خود را عرضه داشت و سایر مأمورین دولتی هم همان روش او را تعقیب نمودند. پس از آن سید باتفاق متابعین خود به دارالحکومه رفته و در آنجا بیدق سلطنتی را خوابانده و بجای آن بیدق ملی را نصب نمودند و بیست و یک تیر توپ هم به رسم سلام شلیک شد. همچو اظهار می شود که این انقلاب بی خونریزی بواسطه این است که تمام طبقات در بوشهر به انضمام مأمورین دولتی قلباً ملت خواه هستند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۱۷۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سردار دگری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

هیجان و جنبشهای انقلابی در مملکت ظاهراً اکنون بطرف ولایات شمال شرقی ایران سرایت و نشر کرده.

جنرال قنسول انگلیس مقیم مشهد در ۱۳ فوریه [۲۴ بهمن ۱۲۸۷؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۷] راپورت داد که علی الظاهر بنیاد یک هیجان تجددخواهانه سختی نهاده شده بود ولی رکن الدوله والی مواظب حال تجددخواهان است و چون اینها خائف هستند و اظهار مخالفت مخصوصی نمی نمایند امکان دارد که شهر آرام بماند. یک هفته بعد از آن ماژور سایکس راپورت داد که یک تعطیل ناقصی در بین پلیسهای مشهد واقع شد که سعی نمودند سربازان را متقاعد نمایند که با آنها شرکت بنمایند ولی ثمری نبخشید. تا آخر فوریه همچو می نمود که چنانچه سفارتین به دولت ایران توصیه نموده اند تعیین رکن الدوله به ایالت خراسان در عید نوروز تجدید خواهد شد. راپورت داده شد که اگر چه مجاهدت در تحریک مردم شده است که مالیات ندهند و احساسات عمومی متوجه است که یک نوع نمایشی باید اعمال بشود که معاضدت با دسته تجددخواه را مشهود بدارد مع هذا آنچه ظاهر است کلیه مردم از حاکم حالیه خودشان ناراضی نیستند. به هر صورت در اوایل مارس راپورت داده شد که رکن الدوله معزول شده و شاهزاده نیرالدوله را که شخصاً در خراسان منفور عامه است به مناسبت تقریباً ۲۴۰۰ لیره پیشکشی که برای این مقام داده است به ایالت تعیین نموده. در ۴ مارس [۱۴ اسفند ۱۲۸۷؛ ۱۱ صفر ۱۳۲۷] رکن الدوله از مشهد عزیمت نمود و در ۷ مارس ماژور سایکس راپورت داد که انقلاب در مشهد شروع شده است.

در منزل برادرزاده ایالت جدید یک بمب انداخته شد. شورشیان تلگرافخانه را تصرف نمودند. دکاکین شهر بسته شد و برای حفظ مقر ایالت توپها آماده شد.

شورشیان نایب‌الحکومه را دستگیر و حبس نموده و انجمن جدیدی از طرف دسته تجددخواهان تأسیس گردید. جنرال قنسول انگلیس راپورت داد که نظر به فقدان تمام مأمورین مسؤل دائمی دولت کارگزار سابق که شخصی بود دارای اعتبارات مستحسنة و نفوذ محلی کامل ولی بتازگی دولت ایران او را منفصل نموده باید منتظر پروزات مهمه بود.

ضمناً دامنه انقلاب تاتربت‌حیدری متسع و منبسط شده و در ۱۶ مارس [۲۶ اسفند؛ ۲۳ صفر] ماژور سایکس راپورت داد که يك دسته شورشیان در تحت سرکردگی بلوچها به کفیل حکومت حمله برده و او را مقتول نمودند. او نیز اطلاع داد که این پیشرفت و موفقیت‌های دیگری که بموجب راپورت در سایر نقاط ایران برای انقلابیون حاصل شده باعث قدرت انجمن مشهد گردیده.

در عرض هفته ماضی راپورت دیگری از مشهد نرسیده ولی ظاهراً هیچ دلیلی نیست که بتوان فرض نمود که فعلاً انقلابیون قصد عودت به اطاعت حکومت مرکزی را داشته باشند.

امضا ج. بارکلی

نمره - ۱۷۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار راپورت می‌دهم که بموجب خبر تلگرافی که الساعة به من رسیده شهر شیراز و همدان جزو جنبش ملیون شده‌اند.

علی‌الظاهر در اجلاسی که دیروز بعد از ظهر در شیراز تشکیل یافته و بیگلربیگی نصرالدوله (رئیس دسته قوامی) و سایر معاریف در آن حضور داشته‌اند آراء بر این قرار گرفته که امروز اعلان مشروطیت منتشر بگردد و انجمن ایالتی تأسیس بشود. در همدان که مشروطیت اعلان شده بود کفیل حکومت به نمایش ملی ملحق شده ولی پدرش او را به بروجرد احضار نموده. پس از آن شاه حاکم جدیدی تعیین نمود ولی اهالی به اعلیحضرت معظم جواب دادند که اگر آن حاکم وارد همدان بشود او را قطعه قطعه خواهند نمود. در ضمن راپورت دادن این خبر قنسول انگلیس مقیم کرمانشاه اشعار می‌دارد که جنبش ملی در آن قسمت مملکت بر طبق دستورالعمل واصله از کربلا بوده.

امضا جارج بارکلی

نمره - ۱۷۴

مکتوب سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۵ مارس ۱۹۰۹

[۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۳ - ۱۳۲۷]

آقا

باکمال افتخار خلاصه وقایع ماهانه معمولی را که راجع به چهار هفته ماضی است
لفاً تقدیم می‌دارم.

امضا ج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۷۴

خلاصه وقایع ماهانه

طهران

شاه در اردوی مسلح خود در باغ شاه در وسط حامیان مرتجع خود و سپهسالار
(امیربهادر) سر سلسله آنها کماکان اقامت دارند. مشاوره‌های مرتجع‌ه مشدد شیوع
دارد و شاه که ده روز قبل راپورت داده شده بود که خیلی متأثر و محزون هستند از
قرار بیانات اروپاییانی که همه روزه آن اعلیحضرت را ملاقات می‌نمایند اکنون بشاش
هستند و اخبار موفقیت ملیون در تربت و بندرعباس و بوشهر و شیراز و همدان
را با بی‌اعتنائی کامل دریافت نموده‌اند.

بازارهای طهران بسته مانده است و متخصصین هنوز در سفارت کبرای عثمانی
هستند.

اوضاع پلتیکی باعث عدم جریان امور تجارتي و پولی گردیده. در امورات بانک
شاهنشاهی بواسطه اشکالات و مخاطراتی که برای ارسال قوافل پول به ولایات موجود
است اخلاص بسیار حاصل شده. بروات خارجه را که در تبریز ورشت و مشهد برای
فروشش حسن طلب می‌شود نمی‌توانند بخرند چون فرستادن پول به آنجاها برای این
مقصود مقدور نیست. نتیجه این شده که مظنه به میزان گران برقرار است. نرخ پوند
امروزه پنج تومان و پنج قران و پانزده شاهی است.

امضا ج. پ. چرچیل ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

استراباد

در سوم فوریه [۱۴ بهمن؛ ۱۱ محرم] امیر مکرم حکمران ارگ را سنگربندی
نمود و ۱۵۰ نفر سرباز در قلعه قدیم نصب نمود. روز بعد ملیون دکاکین خود را
بسته و در يك مسجدی جمع شدند و رؤسای آنها رأی قطعی دادند که حاکم باید از
شهر خارج شود. حکومت به فرمانده فوج هزار جریب که از جمله ملیون بود امر نمود
که با فوج خود به کاشگر برود. در موقع خروج از شهر او بیست قبضه تفنگک به
ملیون داد و دویست نفر از دهات حوالی فرستاد که به آنها کمک پنهانند. در اوایل

مارس بعضی از مأمورین محلی در صورتیکه ظاهراً از فرقهٔ ملیون هم نبودند تلگرافی به شاه نموده و استدعای عزل حاکم را کردند. در ۷ مارس [۱۷ اسفند؛ ۱۴ صفر] صدراعظم جواب داد که حاکم احضار شده ملیون محض اینکه مشهود بدارند که اعتبارات عزل حاکم راجع به آنها بوده نه به مأمورین محلی، بازارها را بسته و عدهٔ کثیری در یکی از مساجد جمع شدند.

کرمان

صاحب اختیار حکمران نایب را رها نموده و ناظم را اجازهٔ معاودت به کرمان داده. معزیه‌الیه نیز استعفای خود را عرضه داشت ولی نظر به وضع مغشوش مملکت دولت ایران نمی‌تواند شخص دیگری برای منصوب نمودن به این مقام بدست بیاورد. اگر حاکم مقتدری تعیین نشود قنسول انگلیس وقوع اغتشاش را پیش‌بینی می‌نماید. قنسول انگلیس در ۱۴ مارس تلگراف نمود که افشاریه‌ها شورش نموده و حاکم بافت را مقهور نموده‌اند. حاکم را با زخم متکری که برداشته بود به کرمان آوردند و افشاریه‌ها بیشتر اردو و اثاثیهٔ او و یک عراده توپ و مالیاتی را که او دریافت داشته بود به یغما بردند.

کرمانشاه

در ۲۴ فوریه [۶ اسفند؛ ۳ صفر] کاپیتان هاورت از همدان تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داد که یک عدهٔ قلیلی از ملیون نامی آن شهر در آژانس قنصلگری عثمانی متحصن شده و در باب اوضاع کنونی ایران به سفارت کبرای عثمانی و باب عالی تلگرافات مخایره نموده‌اند. ملیون معتقد بودند که به معاضدت عشایر خدابنده لو می‌توانند دوهزار سوار تهیه بنمایند ولی کاپیتان هاورت این را اغراق تصور می‌کند و عقیده‌اش براین است که تا آنها اطمینان حاصل ننمایند که می‌توانند تا اندازه‌ای سوار حاضر بنمایند که با افواج و رؤسای محلی که از طرف شاه هستند مقاومت بنمایند علناً عنوانی برای مشروطیت نخواهند نمود. از قرار مذکور دوهزار لیره برای تهیهٔ قشون ملی جمع‌آوری شده. کفیل حکومت به کاپیتان هاورت اطلاع داده‌است که مکرراً استعفا نموده ولی شاه فقط در جواب امر نموده است که از کلیهٔ هیجان مشروطیت جلوگیری بنماید. کفیل حکومت اظهار داشته است که اگر اوامر شاه را بموقع اجراء بگذارد مردم او را به قتل می‌رسانند و هرگاه ازان اوامر تخطی بچوید شاه او را می‌کشد. معزیه‌الیه استعلام نموده بود که آیا می‌تواند به نمایندگی انگلیس پناهنده شود و کاپیتان هاورت جواب داده بود که دولت فخیمه فقط کسی را پناه می‌دهد که جان او در خطر باشد.

یزد

همچو معلوم می‌شود که دستهٔ دو بیست نفر سارقینی که در خلاصهٔ وقایع ماه گذشته

اشعار شده است که بختیاری بودند در حقیقت مرکب بوده اند از اهالی فراقه که يك قریه مشهور به مسکن سارقین و واقع بین آباده و ابرقو است و يك عده از تفتیها که به آنها ملحق شده بودند. صمصام السلطنه اظهار کرد که هیچ ارتباطی با آنها ندارد. آن دسته در تحت سرکردگی يك شخصی خسروخان نام تامسافت قلیلی به یزد نزدیک شدند. این باعث بروز تشویش و هراس در شهر شد و حکومت استعدادی به مقابل آنها اعزام داشت که پس از مختصر جدالی با غارتگران مزبور عقب نشستند. خسروخان اعلان نمود که برای اعاده حکومت شوروی آمده است ولی اهالی یزد که اعتقادشان بر این بود که او و تفتیها فقط می خواهند شهر را غارت بنمایند جوابی در مقابل عنوانات او ندادند. چون دسته مزبور در جلب تقویت یزدیها یا مغایره شدن تلگرافی از طرف آنها به صمصام السلطنه موفق نشدند رجعت نمودند و حرکات و اعمال من بعد آنها هنوز معلوم نیست.

در خصوص تعرض و سوء رفتار نسبت به پارسیان در حوالی یزد ظاهراً مهاجمین به یکی از قراء پارسیان تفتیها بوده اند که سه نفر مرد را به اسارت برده بودند و بالاخره متعلقان آنها استخلاص اسرا را خریده بودند. کفیل ویس قنسوگری دولت انگلیس به حکومت اظهارات نمود و در اواخر فوریه حاکم قریب هزار نفر استعداد جمع نمود که به مقابله تفت بفرستد. ضمناً تفتیها که علی الظاهر دوستان متنفذ در یزد دارند در صدد بند و بست اصلاح ظاهری برآمدند و هنوز استعدادی به مقابله آنها نرفته.

يك عده دستجات سارقین هنوز در طرق پراکنده اند و سرقتهای بسیار واقع می شود. شاید راه کرمان بیش از همه ناامن باشد.

در بیستم فوریه [۲ اسفند؛ ۲۸ محرم] تلگرافی از طرف آقانورالله از اصفهان به نائین رسید که تمام اشخاصی را که حاضرند برای تقویت این راه حق تحت سلاح بروند به اصفهان دعوت نموده بود. راپورت داده شد که انتظام الملك حاکم سابق یزد هم در امیرآباد مشغول جمع آوری قشون بوده. از آن زمان او در اصفهان به بختیاریها ملحق شده.

شیراز

مرکز ثقل پلتیک فارس هنوز لارستان است. ظاهراً قوامیها برای پول در فشارند. در چهاردهم فوریه [۲۵ بهمن؛ ۲۲ محرم] پیشکار قوام از طهران تلگراف نمود که اگر نتوانند پیشرفتی بنمایند کار آنها بکلی تمام خواهد بود. نصرالدوله که در اواسط فوریه غفلتاً از لارستان مراجعت نمود به مستر بیل اطلاع داده بود که قشون قوامیها لاریها را مغلوب نموده اند ولی عقیده مستربیل بر این است که این روایت ساختگی بوده و احتمال نمی رود که قوامیها بتوانند موفقیتی در مقابل لاریها حاصل بنمایند. نصرالدوله اصرار نموده بود که سید لاری برای شخص خودش کار می کند و همانطور که به او امرشاه واقعی نمی گذارد به احکام يك حکومت شوروی هم اعتنائی

نخواهد داشت. ضمناً بختیاریها تلگراف سختی به صولت الدوله مخبره کرده و او را توبیخ نموده بودند که با وجود آنهمه مواعیدی که نموده هیچ اقدامی نمی‌کند از طرف دیگر ظاهراً به تحقیق [= تحقق] پیوسته که قوامیها در صدد طرح قراردادی با صمصام السلطنه هستند و فی الجمله موفقیتی هم حاصل نموده‌اند و در همچه صورتی صولت الدوله ممکن است دریابد که بواسطه اهمال موقع را از دست داده است. خبر جدید این است که قوام قشون خود را در فسا گذارده و در هفتم مارس [۱۷ اسفند؛ ۱۴ صفر] به شیراز رجعت نموده.

در خود شیراز در اوایل مارس در تحت سرکردگی روحانیون جنبش ملایمی به تأیید مشروطه بروز نمود. چنین معلوم می‌شود که ایالت بعلاوه جلوگیری نکردن از آنها پیغامات همراهی وهم خیالی هم فرستاده است.

در ۲۱ فوریه [۳ اسفند؛ ۲۹ محرم] یکی از نوکرهای ایالت که مست بود به دونفر پارسی حمله سختی برده و زخم منکری به آنها زده. مستر بیل منشی قنصلگری را با مراسله خصوصی نزد حاکم فرستاده و بصد این واقعه که آسایش عامه را سخت تهدید می‌نماید پرست نموده [= نمودم]. مرتکب دستگیر شد ولی از دحام کثیری منزل شخص پارسی را که ارباب حضرات مضروب بود محاصره نموده و او را تخویف کردند که شخصاً به دارالحکومه رفته و استخلاص فوری مقصر را تصویب بنماید.

در ۱۱ مارس [۲۱ اسفند؛ ۱۸ صفر] در حوالی یزد خواست به قافله‌ای که زوار همراه داشت حمله برده شده یکی از زوار به ضرب گلوله مقتول شد و چهار نفر از سایرین زخم مهلکی برداشتند. سیزده رأس قاطر با حمول آنها را بسرقت بردند. یکی از صندوقهای سرقتی محتوی سی قبضه تفنگ مسلسل بوده.

در بیستم مارس [۳۰ اسفند؛ ۲۷ صفر] قنصل دولت انگلیس تلگراف نمود که نماینده کمپانی زیگلر را سارقین در حوالی سیوند لخت نموده و اشیائش را بسرقت بردند و همچه تصور می‌شود که سارقین لشنی بوده‌اند. ایالت سی نفر فرستاد که در گرفتاری سارقین سعی بنمایند. مستر بیل نیز راپورت داد که ایالات حوالی زرقون [= زرقان] در عرض هفته دویست عدد مقرر تلگراف را شکسته و چندین فقره سرقت در جاده طرف جنوب آباده واقع شده.

خلیج فارس

بوشهر

راپورت داده شده که دریابگی مجدداً به حکومت بنادر خلیج منصوب گردیده.

محمرة

در اوایل فوریه از رامهرمز شهرت یافت که سایر خوانین بختیاری حسن طلب کرده‌اند که با صمصام السلطنه صلح بنمایند و ترتیبات سابقه را اعاده داده او را به ایلخانی‌گری بشناسند یحتمل بواسطه موفقیت اخیر او در اصفهان.

امضا ث. ب. ا. ماژور استکس، اتاشه میلپتر

نمره - ۱۷۵

مکتوب سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در تعقیب تلگرافات ۲۴ و ۲۶ مارس خودم با کمال افتخار سواد دو طغرا مراسله‌ای را که بنده و همکار روسیم در خصوص قتل‌های جدید در شاهزاده عبدالعظیم به دولت ایران نوشته‌ایم لفا ارسال می‌دارم.

امضا جارج بارکلی

ملفوفه ۱ درنمره ۱۷۵

مراسله سرچارچ بارکلی و مسیو سبلین [= سابلین] به سعدالدوله

۲۴ مارس ۱۹۰۹

[۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

جناب مستطابا

سفارتین انگلیس و روس متأسفانه کسب اطلاع نموده‌اند که دیشب بعضی از متحصنین در شاهزاده عبدالعظیم مقتول شده‌اند. شرح جزئیات این مسئله مجهول است ولی از قرار مذکور اشخاص مرتکب از جمله مستخدمین نایب‌الحکومه طهرانند. مسلماً لازم است که برای جلوگیری از تکرار وقوع این نوع جنایات مجلس محاکمه‌ای تشکیل شده و مرتکب مجازات بشود و سفارتین محترماً خاطر جنابعالی را مستحضر می‌دارند که در صورتی که مدلل بشود که اشخاص مقصر حسب‌الامر نایب‌الحکومه اقدام به این امر نموده، نهایت لزوم را خواهد داشت که مفاخرالملك بدون تأخیر منفصل بشود. خاطر جناب مستطاب عالی تصدیق خواهد نمود که یک همچو اقدامی برای جلوگیری از اینکه جنایات شب گذشته منجر به اغتشاشات وسیع‌تری نگردد که ممکن است مضر به مصالح اتباع دوسفارت شده و همچنین می‌تواند به عمده دولت شاهنشاهی مسؤلیتهای وزین عمده‌ای که سفارتین میل به منع آن دارند وارد آورد بهترین وسیله خواهد بود.

ملفوفه ۲ درنمره ۱۷۵

مراسله مشترکه خطاب به سعدالدوله

سفارتین راجع به مراسله مشترکه مورخه ۲۴ شهر حال خودشان باکمال احترام خاطر نشان دولت ایران می‌نمایند که شهرت مسؤل بودن مفاخرالملك برای قتل‌های در شاهزاده عبدالعظیم بعدی شیوع دارد که سفارتین برخود فرض می‌دانند که برای اسکات انقلاب حاضر در پایتخت تقاضای انفصال مشارالیه را بنمایند.

سفارتین یقین دارند که پیشنهاد این تقاضا متضمن بالاترین منافع اعلیحضرت شاه و مصالح دولت ایشان است، چون در صورت تمکین ننمودن به تقاضای مزبور هر اتفاقی که از اثر اغتشاشات برای اتباع انگلیس و روس رخ بنماید سفارتین آن را حمل به عدم تمکین به این تقاضا نموده و اعلیحضرت همایونی و دولت او را کاملاً برای آن مسؤل خواهند دانست.

سفارتین از جناب مستطاب عالی خواهش می نمایند که شرح فوق را به اعلیحضرت شاه تقدیم بدارید.

به تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۰۹

[۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱- ۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۶

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۲ آوریل ۱۹۰۹

آقا

امروز مسیو ایسولسکی به من اظهار داشت نکته مهمی که در پیش است مسئله تأمین راه رشت به طهران است. از مهندسین در قزوین راپورتهای تشویش آمیز به من رسیده است که اظهار خوف از انقلابیون قفقازی که آن قسمت ایران را در حیطه تصرف درآورده اند نموده اند. من همیشه راپورت اشخاصی را که در معرض مخاطرات معینه هستند تخفیف می دهم ولی نمی توانم بکلی از آن راپورتهای صرف نظر بنمایم. خوف آن می رود که ممکن رابطه بین طهران و رشت مقطوع بشود. من تقریباً در یک بفرنجی گرفتار هستم، اختیار ننمودن اقدامی فقط برای حفظ رابطه بین طهران و رشت باعث مسؤلیت عمده ای است. مع هذا من نمی توانم انکار بنمایم که هر اقدامی بشود در ردیف مداخله محسوب خواهد شد. عقیده من بر این است که یک ویس قنسول بایک عده مستحفظی به قزوین فرستاده بشود ولی این مسئله هم ممکن است باعث تمهیح بشود نه مرعوب کردن انقلابیون (مقصود جناب معزی الیه انقلابیون قفقازی بود چون از ایرانیان بی می نداشت). هرگاه یک استعداد کافی هم اعزام بشود که در نقاط معینه جاده چاتمه بزنند و قراولی پل متجیل را نموده و اجزای اداره راه را در قزوین تحت حراست داشته باشند، بی شبهه این هم تعبیر به مداخله خواهد شد.

امضا . ا. نیکلسن

نمره - ۱۷۷

مکتوب سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۱۳ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹

[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا، راجع به مشروحه سوم فوریه جنابعالی باکمال افتخار سواد یادداشتی را که از طرف وزارت امور خارجه اعلیحضرت امپراطوری درباب پرگرام اصلاحات ایران رسیده است لفا ارسال می‌دارم.

امضا . ا. نیکلسن

ملفوفه در نمره ۱۷۷

آخرین صورت پرگرام صلاح‌اندیشی که دولتین روس و انگلیس به اعلیحضرت شاه عرضه بدارند از قرار ذیل خواهد بود:

(۱) دولتین روس و انگلیس تقاضای انفصال فوری صدراعظم را از شاه خواهند نمود و بهمچنین انفصال امیر بهادر جنگ را. انفصال امیر بهادر جنگ متضمن منفصل شدن او از تمام مقاماتی است که داراست هم مقامات درکابینه و هم در دربار. لیکن اگر شاه اظهار مخالفت زیادی در اخراج این شخص از دربار بنماید دولتین در این نکته چندان اصراری نخواهند نمود.

(۲) دولتین روس و انگلیس تجدید تأسیس حکومت شوروی در ایران را بوسیله اجرای فوری اصلاحات مشروحه در مواد ذیل از شاه تحصیل خواهند نمود:

(۳) دولتین از شاه تقاضا خواهند نمود که کابینه‌ای تشکیل بدهند که مرکب باشد از اشخاص قابل‌الاعتماد ثقه. بهمچنین بدون تأخیر افزوده شدن يك عده اشخاص تربیت شده از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی. و به مجلس شورای مزبور اختیار داده بشود که قانون انتخابات جدیدی طرح و تهیه نمایند. سفارتین انگلیس و روس در طهران بطور خصوصی يك صورتی از اشخاص داوطلب که برای ترکیب کابینه و مجلس شورای مملکتی انطباق و اصوب باشند به اعلیحضرت شاه تقدیم خواهند داشت. معلوم است اگر اراده شاه به انتخاب اشخاصی تعلق بگیرد که محل اعتماد و وثوق لازم نباشند بهمیچوجه پولی به دولت ایران قرض داده نخواهد شد.

(۴) دولتین از اعلیحضرت شاه تقاضا خواهند نمود که به تمام اشخاصی که بر علیه [= علیه] او تحت سلاح رفته‌اند و مقصرین پلتیکی هستند عفو عمومی اعطاء نمایند. این اقدام طبیعتاً شامل حال آن انقلابیونی که مرتکب خلاف و تمرد نسبت به قانون عمومی شده‌اند نخواهد بود. در خصوص اشخاص متهم به چپاول و سایر جنایات که هیجان و غلیان مشروطیت را برای مبادرت به خطا یا بضر قانون عمومی مقتنم شمرده‌اند از دولت اعلیحضرت شاه تقاضا خواهد شد که اطمینان بدهند که هیچ مجازاتی در حق آنها اعمال نخواهند نمود بجز اینکه در محکمه بیطرفی آنها را تحت محاکمه بیاورند چنانچه در مورد اشخاصی که به سفارت انگلیس در طهران پناهنده شده بودند معمول گردید.

(۵) دولتین روس و انگلیس بعلاوه تقاضا خواهند نمود که فوراً موعدی برای انتخابات پارلمانی معین بشود بهمچنین برای تشکیل مجلس. این موعداها باید بدون تأخیر به تمام مملکت اعلان بگردد.

(۶) همینکه اقدامات مسطوره در مواد پنجگانه فوق را اعلیحضرت شاه به موقع اجراء گذاردند دولت روس ممکن است اگر لازم بداند مبلغ دومیلیون و پانصد هزار فرانك به جهت مصارف فوری که برای اصلاحات مقدماتی لازم است به دولت ایران قرض بدهد. دولت انگلیس هم از طرف خودشان اگر لازم دانستند بمحض اینکه مجلس منتخبه پروژۀ يك استقراض خارجی را که یا مبلغ معتنا بهی باشد یا مبلغ کمی تصویب نمود يك همچۀ مبلغی به دولت اعلیحضرت شاه قرض خواهند داد. در صورت چنین تصویبی از طرف مجلس دولتین برای اختتام عمل این استقراض با دولت ایران تقویت و مساعدت خواهند نمود. عقیده دولت اعلیحضرت امپراطوری بر این است که اجرای پرگرام فوق الذکر متضمن یگانه وسایل رهایی دولت ایران از وضع چاره ناپذیر کنونی است که در آن مستغرق است و اگر اعلیحضرت شاه این پرگرام را با تمام جزئیاتش قبول نمایند تنها طریقی که برای دولت روس و دولت انگلیس باقی بماند این است که دست از صلاح اندیشی خود برداشته و محمد علی شاه را به حال خود بگذارند و پس از آن اعلیحضرت معظم دیگر نمی تواند متکی به مساعدت دولتین بوده و مترصد تقویتی از طرف آنها باشد. بنابراین دولت روس مصلحت بر این می دانند که نمایندگان دولتین روس و انگلیس در ضمن تقدیم داشتن پرگرام فوق الذکر به اعلیحضرت شاه يك اظهار قطعی به این مفاد بنمایند.

بمحض اینکه سفارت کبرای دولت انگلیس به وزارت امور خارجه اعلیحضرت امپراطوری اطلاع بدهد که کابینه لندن مخالفتی در پیشنهاد مواد پرگرام مندرجه در این یادداشت ندارند فوراً این پرگرام تلگرافاً [= تلگرافی] به شارژ دافر دولت روس مقیم طهران مخابره خواهد شد که باتفاق وزیرمختار دولت انگلیس مراتب مصوبه را به شاه عرضه بدارند.

از سن پترز بورغ، ۸ آوریل ۱۹۰۹
[۱۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۸

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۳ آوریل)

از طهران، ۱۳ آوریل ۱۹۰۹
[۲۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

عایدات گمرک بوشهر

تلگراف ذیل مورخه ۱۲ شهر جاری از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر رسیده:

«در هشتم آوریل سید مرتضی به تجاری که عایدات به اسم آنها امانت سپرده شده فشار آورد که مداخله ننموده و تتمه عایدات را به او به پردازند. لہذا کلیه عایدات از ۲۳ مارس را که قریب بیست هزار تومان بود سید و متابعینش دریافت داشتند. پنجاه نفر از قشون بحری که دیروز پیاده شدند در اسکله گمرک که بعد کفایت محل برای آنها دارد گماشته شد. بعلاوه، نظر به وضع هوا و سهل بودن جلوگیری از آنجا از ورود تفنگچیان دیگری که انتظار ورود آنها از طرف بندر هست آن محل بسیار مناسبی است.

اگر قبل از قرارداد اخیر این مسئله، باز سید درصدد دریافت عایدات بیشتر برآید گمان می‌کنم بواسطه همین عده قشونی که فعلا در اینجا گماشته شده ممکن است جلوگیری از این اقدام نمود.»

شرح ذیل را من در جواب مخابره نموده‌ام:

«با پیشنهاد مسطوره در عبارت آخر تلگراف شما مخالفتی نیست.

لطف نموده به سید مرتضی و سایر ملیون بگویید که اگر يك قرار مرضی که باعث تأمین حقوق ما باشد داده نشود ما مجبور خواهیم شد که در امکان تصرف نمودن گمرک اعماق نظر بنماییم. و حال آنکه ما نهایت اشتیاق را داریم که از اقدام به چنین امری احتراز بجوییم. بهترین شقوق این است که عایدات گمرک را مأمورین بلژیکی در گمرکخانه نگاه بدارند تا ما يك قرار رضایت بخشی با اولیای يك دسته ملیون مسؤلی بدهیم.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۳ آوریل ۱۹۰۹

[۲۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۱ - ۱۳۲۷]

لطف نموده نظریات دولت روس را در باب پیشنهاد قنصل مندرجه در تلگراف ۱۱

شهر جاری از طهران که به شما هم مخابره شده کسب بنمایید.

من در آن پیشنهاد مخالفتی فرض نمی‌کنم و در صورتی که دولت روس هم مخالفتی

نداشته باشند آن را تصویب نموده و برطبق آن تعلیمات خواهم داد.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ آوریل)

از طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

کرمان

من در صدد جلب توجه دولت ایران به اوضاع کرمان هستم که سوای جاده به مشهد تمام طرق مسدودند. بهر صورت بجز عجله نمودن در حرکت حاکمی که جدیداً تعیین شده هیچ کار دیگری نمی‌توان کرد.
 قنصل انگلیس راپورت می‌دهد که تمام قدرت در شهر زایل شده، نان کمیاب است و اجماع گرسنه دکانهای خبازی را چپو کرده‌اند.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۴ آوریل)

از طهران، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بوشهر

تلگراف ذیل، مورخه ۱۴ آوریل از جنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر رسیده:
 «سید مرتضی هنوز در نگاهداشتن دویست الی سیصد نفر تفنگچی اصرار دارد. شهر به حالت وحشت‌زدگی است و امور به‌عمده تعطیل است. تهاجمی از طرف این تفنگچیان پیش‌بینی می‌شود و باین جهت بازارها و حتی دکانها هنوز بسته‌اند. اگر يك راه نجاتی بزودی حاصل نشود بیم آن است که اهالی بالتمام در جنرال قنصلگری انگلیس پناهنده شوند.

تمام مردم اکنون تصدیق دارند که غرض سید از خودآرایی به لباس ملیت فقط اجرای مقاصد غارتگری خودش است. سه نفر از رؤسای نامی دشتی و تنگستان شرحی به من نوشته و از نیت خودشان در موافقت با تقاضاهای من اشاره نموده‌اند. ملیون و شاه‌پرستان عمده در بین اهالی ایرانی نظریات خودشان را در باب اوضاع به من ابراز داشته‌اند. آنها بلااستثناء تصور می‌کنند که سید باید از بوشهر خارج شود و ارائه طریق می‌نمایند که روانه نجف بشود که علمای آنجا هم از اعمال او مسبقند. بر همه آنها متساویاً یقین است که با بودن او اعاده نظم غیرممکن است. نظر به این مقتضیات می‌توانید به بنده اجازه بدهید که چون ملیون بدون کمک ماقوت کافی برای تبعید او ندارند من اقدام به اجرای این امر بنمایم؟ نهایت لزوم را دارد که این اقدام بقوریت اعمال بشود.»

در جواب شرح ذیل را من به ماژورکاکس مخابره نمودم:

«قبل از این به شما اختیار داده شده که اگر حضور تنگستانیها متضمن خطر حقیقی برای جان اتباع خارجه باشد قشون بحری را برای اخراج آنها بکار ببرید. من نمی‌توانم پیشنهاد شما را بدون اجازه دولت اعلیحضرتی تصویب بنمایم مگر اینکه حضور سید يك همچو خطری را در بر داشته باشد.»

نمره - ۱۸۲

تلگراف سرادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اقدام شما را که در طی تلگراف ۱۲ آوریل راپورت داده بودید تصویب می‌نمایم. دولت ایران بموجب عهدنامه متعهد شده‌اند که اتباع دول واهل ممالک خارجه را «محترم داشته و مؤثرانه محفوظ بدارند».

علی‌هذا درموقع لزوم شما باید به دولت مشارالیهها اصرار بنمایید که یا بگذارند اتباع خارجه مقیمین تبریز از شهر خارج بشوند یا بگذارند مقدار کافی آذوقه داخل شهر بشود.

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر ادواردگری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۴ آوریل ۱۹۰۹

[۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷]

ارائه طریقی که جنرال قنسول انگلیس در تبعید سید از بوشهر در طی تلگراف خودش نموده بود و شما در تلگراف ۱۴ آوریل خودتان به‌من تکرار کرده بودید که ظاهراً ملیون و شاه‌پرستان دراین تقاضا متفق شده‌اند از مقصودی که برای آن قشون پیاده شده تجاوز خواهد کرد یعنی حفظ جان و مال اتباع انگلیس و سایر ملل مقیمین آنجا. بعلاوه، اگر ما باید سید را تبعید بنماییم تصمیم اینکه حکومت بوشهر به کی باید تفویض بشود هم به‌عهده ما باید باشد. اقدام به‌خراج او عملاً ما را به‌حکومت آن شهر برقرار می‌دارد و مشکل است بتوان تصور کرد که چه وقت این وضع امور خاتمه‌پذیر خواهد شد چون هیچ‌قدرت رضایت‌بخش دیگری نخواهد بود که بتواند قائم مقام آن بشود. لهذا هیچ دلیلی ندارد که چرا نباید به‌سید اخطار بشود که اگر به اتباع انگلیس یا خارجه حمله برده بشود در صورت لزوم برای حفظ آنها به‌قوة قهریه برعلیه [= علیه] او اقدام خواهد شد.

نمره - ۱۸۴

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ آوریل)

از طهران، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع جاده شیراز به اصفهان

جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان به‌اتباع انگلیس اخطار نموده است که در

جاده شیراز به اصفهان مسافرت ننمایند و من در کار دستورالعمل دادن به قنصل انگلیس مقیم شیراز هستم که يك اخطاریه‌ای به همین مفاد صادر بنماید. طوایف کپکلوئییه [= کپگیلویه] در حدود یزدخواست مشغول قتل و غارت آشکارند و وضع تمام جاده رقت‌انگیز است.

نمره - ۱۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ آوریل)

از طهران، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

مذاکرات صلح تبریز

در طی تلگراف ۱۱ شهر جاری خودم اشاره نمودم که پاره‌ای مذاکرات معینه صلح در تحت مذاقه و نظر ملیون تبریز و شاه‌پرستان است. این مذاکرات از باسمنج (اردوی عین‌الدوله) با طهران در میان است. تا حال علائم خوشی از آن مستفاد نشده.

نمره - ۱۸۶

مکتوب سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

[۲۶ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

معاون سفیرکبیر دولت روس در ۱۰ شهر حال به این اداره آمد و به مستر ملت اطلاع داد که تلگرافی از وزیر امور خارجه دولت روس به او رسیده مبنی بر اینکه وزیر معظم له به جنابعالی اطلاع داده است که دولت روس مشغول اعماق نظر در صلاحیت اعزام قشون برای مفتوح نگاهداشتن راه بین انزلی و طهران هستند ولی بدون اعلان قبل از وقت به دولت اعلیحضرتی انگلیس اقدامی در اجرای این عزم نخواهند نمود. مسیو یکلوسکی معاون مزبور عقیده‌اش این بود که اگر این اقدام با اظهارات مشترکه به اعلیحضرت شاه برای اعطای مشروطه مصادف بشود نمی‌توان حمل به این نمود که این اقدام محض تقویت اعلیحضرت معظم اعمال شده.

امضا . ا. گری

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۳ شهر جاری جنابعالی

پیشنهاداتی را که جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز نموده دولت روس قبول کردند و به نمایندگی قنصلگری تبریز خودشان تعلیمات دادند که به معیت مستر راتیسلا عمل بنماید.

از اطلاعاتی که به دولت روس رسیده عقیده‌شان براین است که تقاضای ملیون از این قرار است که يك مشروطه‌ای و يك عفو عمومی کاملی باید اعطاء بشود و به کسانی که اسلحه‌شان متعلق به خودشان است اجازه داده شود که اسلحه خود را نگاه بدارند لیکن اسلحه‌ای که متعلق به دولت ایران باشد تسلیم خواهد شد و بالاخره يك تأمین دیپلوماسی لازم است که اساس سابقه مجدداً تأسیس نخواهد شد.

به عقیده دولت روس صلاح اندیشی که دولتین می‌خواهند بطریق مؤکدی به اعلیحضرت شاه عرضه بدارند با حوائج ملیون موافقت دارد. در باب تأمین دیپلوماسی منظوره دولت روس ارائه طریق می‌نمایند که یحتمل بشود به اولیای ملیون خاطر نشان نمود که بواسطه اعمال اصلاحاتی که دولتین به شاه اصرار دارند که قبول بنماید اساس سابقه بکلی خاتمه خواهد پذیرفت.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اتباع خارجه در تبریز

تا حال جوابی در باب دخول آذوقه در شهر به من نرسیده.

جنرال قنسول انگلیس راپورت می‌دهد که اتباع روس در خروج از شهر بی‌میلند و تصور می‌کند که اتباع انگلیس هم از خروج امتناع بنمایند و به هر صورت ملیون نخواهند گذارد که آنها از شهر خارج بشوند. او صلاح نمی‌داند که در این موضوع به شاه اصرار بشود چونکه او ممکن است اسباب تسهیل خروج آنها را از شهر فراهم بیاورد و آنوقت هر نوع مسولیت دیگری را از عهده خود ساقط بداند. او نیز راپورت می‌دهد که اتباع انگلیس می‌توانند با جزئی زحمتی تا يك مدت دیگری مداومت بنمایند. من با نظریات مستر راتیسلا موافقت دارم و بجز اقدامی که در تلگراف ۱۲ شهر حال خودم راپورت داده‌ام فعلاً من اقدام دیگری در باب سلامت خارج شدن آنها از شهر تصور نمی‌نمایم. این شرح راجع به تلگراف ۱۴ شهر جاری جنابعالی است.

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:

«ما هنوز منتظر نتیجه مذاکرات صلح در باسمنج هستیم. آنهایی که از دسته ملیون زمام اختیار شهر در دست آنهاست از تقاضاهای اصلی خود تجاوز نخواهند نمود و آن تقاضاها از قرار معلوم اینند:

(۱) اعاده مشروطیت؛

(۲) عفو عمومی کامل؛

(۳) حرکت تمام قشون دولتی خصوصاً قشون چریک؛

(۴) نگاهداری کلیه اسلحه‌ای که متعلق به دولت نیست؛

(۵) تعیین والی که مقبول تبریز باشد. (سه فقره اسامی ذیل در این مورد ذکر شده:

سعدالدوله، مخبرالسلطنه، امامقلی میرزا)؛

(۶) دول خارجه باید ضمانت این شرایط را بنمایند.

از طرف دیگر عامه اهالی هیچ چیز نمی‌خواهند مگر اینکه خاتمه پذیرفتن وضع پر زحمت حاضره را ببینند. اگر دولتین مقتضی بدانند برای انجام این امر باید به‌شاه فشار بیاورند که این شرایط را قبول بنماید یا آن نوع عبارات جرح و تعدیل‌شده‌ای را که ممکن است ملیون بواسطه مقتضیات عسرت و تضییق مجبور به قبول آن بشوند.

شهر فعلاً آرام است ولی تنگی آذوقه خیلی مؤثر است.

قسمت ۲: يك ضمانت خارجی برای حکومت شوروی به عبارت جرح و تعدیل‌شده‌ای

زودتر این معما را حل خواهد نمود.

بهرجهت من و همکار روسیم تصور می‌کنیم که در صورت اصرار به تسلیم شهر

شرایط ذیل بفوریت لازم است:

(۱) ایلیاتیان در تحت رحیم خان و صمدخان باید لااقل به مسافت بیست میل دور

بشوند و در هیچ صورتی مجاز به داخل شدن شهر نباشند.

(۲) هر شخصی که از عفو عمومی مستثنی بشود باید موافق عادت معمول گذارده بشود

که در قنسولگریها تحصن اختیار نماید.

(۳) برای تسلیم اسلحه و آلات ناریه باید طرفین قراری مابین خود بدهند.

(۴) باید تعلیمات داده بشود که جمیع استعداد عین‌الدوله در محل کنونی خود باقی

بمانند لیکن فقط به قزاق ایرانی اجازه داده بشود که برای استقرار نظم با عین‌الدوله

داخل شهر بشوند.

۵) باید به عین‌الدوله تعلیمات داده بشود که در استقرار نظم در شهر مراقبت نموده و با اظهارات مشترکی که راجع به تسلیم شهر از طرف ما بشود موافقت بنماید. ما صلاح نمی‌دانیم که هیچ تقویت تقاضا نشده‌ای در موضوع فوق عرضه بشود ولی اگر مذاکرات صلح به‌جایی نکشد (چون احتمال آن می‌رود) و کمکی از خارج نرسد ملیون مجبور خواهند شد که مسئله تسلیم را با شرایط سهل‌تری در نظر بگیرند پس از آن محتمل است که به‌ما مراجعه نمایند و به‌عقیده ما آن موقعی است از برای اینکه ما پیشنهادات خودمان را اظهار بداریم.

در خصوص ضمانت دادن احتیاط زیاد لازم است.

قسمت ۳: مقتضیات فعلی باعث اتخاذ این تصمیمات شده ولی اگر ملیون موفقیت غیرمنتظره‌ای در قسمت دیگر ایران حاصل نمایند و یا منازعات داخلی یا بروز خیانت ممکن است صفحه اوضاع را بکلی تغییر دهد و از نتیجه آن تغییر در تصمیم ما هم تغییر حاصل شود.

این بود تلگراف قنسول مزبور اما در خصوص قسمت اول دو ماده مهم‌ترین آن را اظهارات کلی ما بقدر کفایت حاوی است. اگر اظهارات ما نتیجه بخشید مواد ۳ و ۴ و ۵ نیز ضمناً حاصل خواهد شد اما در باب ماده ششم بیش از این ضمانت داده نخواهد شد که بدانند امتیازات حقوقی را که شاه می‌دهد از اثر نمایشهای ما است و بیش از اینهم لازم نیست. اما در خصوص قسمت ثانی که فقط در صورت بی‌نتیجه ماندن اظهارات ما لازم خواهد شد اگر لزوم پیدا کرد قنسولها باید اهتمام در تحصیل شرایط مزبور بنمایند و ما از اینجا آنها را تأیید و تقویت می‌نماییم.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۶ آوریل)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

اتباع خارجه در تبریز

دولت ایران به عین‌الدوله تعلیمات داده‌اند که اسباب تسهیل خروج اتباع خارجه را فراهم نموده و آنها را مأمون بدارد و ارائه طریق نموده‌اند که آنها باید الان از شهر خارج شوند. چنانچه من انتظار داشتم دولت مشارالیهما از اجازه دخول آذوقه امتناع دارند. چنانچه قبل از این راپورت داده شده اتباع انگلیس و روس میل ندارند از تبریز خارج بشوند.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه از شارژ دافر روس مقیم طهران شنیده است که دولت ایران از اجازه دخول آذوقه به تبریز امتناع دارند و تقاضا نموده‌اند که قنسولها از آن شهر خارج بشوند. وزیر امور خارجه براین عقیده است که دخول مقدار کثیری آذوقه برای قنسولگریها ممکن است قنسولگریها را در معرض خطر تهاجم اهالی قحطی‌زده بدارد و جناب معزی الیه استعمال می‌نماید که آیا این اقدام اعمال شدنی هست که از شاه تحصیل اجازه بشود که مقدارهای قلیل آذوقه گاه بگاه برای صرف قنسولگریها و اتباع خارجه داخل بگردد. اگر جنابعالی این پیشنهاد را عمل شدنی تصور می‌نمایید جناب معزی الیه ارائه طریق می‌نماید که به نمایندگان انگلیس و روس تعلیمات در این باب داده بشود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه روس به من اطلاع می‌دهد که نظر به وقوع حوادث در استرآباد و خطر غارت شدن شهر به کمیسر سرحدی روس مقیم گنبد قابوس امر شده است که به عجله تمام با استعداد همراه خودش به استرآباد برود.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۷ آوریل ۱۹۰۹

[۲۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به مکتوب هشتم آوریل شما

این مسئله باید معلوم باشد که ما نمی‌توانیم در این موقع خود را آلوده قرض بزرگی به دولت ایران بنماییم. چون اظهارات در طهران حالا بفوریت لازم است شما باید از مسیو ایسولسکی خواهش بنمایید که بدون تأخیر زیادتری به شرح عبارتی که من پیشنهاد می‌نمایم موافقت بنمایند.

ارائه طریقی که من می‌نمایم از قرار ذیل است:

۱) از ماده ششم یادداشت ملفوفه در مکتوب شما عبارت «پروژه يك استقراض خارجی را که یا مبلغ معتنا بهی باشد یا مبلغ کمی» حذف بشود و کلمات ذیل به جای آن نصب بگردد: «بمحض اینکه مجلس منتخبه این استقراض را تصویب نمود.»

۲) بعد از عبارت فوق جمله ذیل باید به جای «در صورت چنین تصویبی از طرف مجلس دولتین برای اختتام عمل این استقراض با دولت ایران تقویت و مساعدت خواهند نمود» نصب بشود:

«اگر چنانچه قرضه بزرگتری من بعد برای دولت ایران لازم بگردد منتها وسایل تسهیل آن قرضه حصول تأمینات معینی خواهد بود که در خصوص آن تأمینات مابین دولت ایران از طرفی و دولتین انگلیس و روس از طرف دیگری بعدها مذاکرات بعمل خواهد آمد.»

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹
[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز جنابعالی

جرح و تعدیلی را که جنابعالی پیشنهاد نموده‌اید دولت روس قبول دارند و فردا تلگرافاً [= تلگرافی] به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات لازمه خواهند داد که بدون تأخیر زیادتری پرگرام مزبور را به‌اعلیحضرت شاه تقدیم بدارد.

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹
[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع اتباع خارجه در تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۷ آوریل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به‌من رسیده: «عقیده من براین است که مقدار آذوقه عامه خیلی کمتر از اندازه‌ای است که بدواً به‌من اطلاع داده شده بود. لیکن از قرار معلوم يك مقداری برای عساکر هست که میزان آن را ظاهراً نمی‌شود معین کرد. اوضاع خیلی متزلزل است و اعضاء انجمن اشاره نموده‌اند که شدت هرج و مرجی که احتمال وقوعش تمهید می‌نماید بر اروپائیان هم تحمیل خواهد نمود.»

امروز عصر من و همکار روسیم به انجمن دعوت شده بودیم. اعضاء انجمن اظهار داشتند که اگر بغوریت يك کاری برای رهایی از وضع حاضره نشود احتمال بلوا و انقلاب وخیمی می‌رود چون مقدار آذوقه (بجز برای عساکر) خیلی قلیل است. آنها از

ما خواهش نمودند که تمنای آنها را به سفارتین تبلیغ بنماییم که شاه را مجبور به قبول پیشنهادات ذیل بنمایند:

- (۱) صد و پنجاه خروار گندم برای فقراء که آنها تعهد می نمایند صرف جنگیان نشود از راه باسمنج که برای این امر باید مفتوح بشود ارسال بگردد.
 - (۲) جنگ باید متارکه بشود و متعاقب آن راه مفتوح بگردد.
 - (۳) آنها با شاه و سایر شهرهای ایران داخل مذاکرات خواهند شد برای اینکه بتوسط نماینده های منتخبه ایشان يك قرار کلی داده شود.
- انجمن مزبور از سفارتین استدعا دارند که در این تقاضا بدانها تقویت نموده و به شاه خاطر نشان بنمایند که اهالی آذربایجان جنگ و جدالی با آن اعلیحضرت ندارند بلکه فقط برای حفظ قانون اساسی و مشروطیت تحت سلاح رفته اند.
- معمود بود که رؤسای نظامی هم در این موقع حضور بهم رسانند ولی حاضر نشدند.
- من و همکار روسیم اظهار داشتیم گرچه احتمال مقبول افتادن پیشنهادات آنها نمی رود ولی وعده نمودیم که با تقاضای آنها موافقت بنماییم.
- امروز صبح انجمن ایالتی شرحی بر طبق بیانات فوق به قنسولها نوشته و درخواست نموده بودند که برای خیر اتباع داخله و خارجه متساویاً اقدام بنمایند. دیگر اشعار داشته بودند که تا حال همانطور که به اهل شهر آذوقه داده شده به اتباع خارجه هم رسانده شده ولی از این به بعد آذوقه کمیاب خواهد بود.
- در جواب من به جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که به میلیون اطلاع بدهد که هر آسیبی بتوسط آنها به اتباع خارجه وارد بیاید ممکن است باعث خسران چاره ناپذیر برای مقاصد آنها بگردد.
- به نظر من اهتمام در قبولاندن پیشنهادات انجمن به شاه بکلی بی فایده است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

همکار روسیم به من اطلاع می دهد که يك استعدادی از شاهسونها بطرف رشت حرکت نموده اند. این قشون در تحت فرمان شاه است.

او نیز به من اظهار می دارد که ظاهراً استراباد دستخوش ترکمانهایی است که مطیع اوامر اعلیحضرت معظم هستند.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۸ آوریل)

از طهران، ۱۸ آوریل ۱۹۰۹

[۲۹ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بدبختانه بواسطه خبر وقایع جدیده در اسلامبول وضع و مسلك اعلیحضرت تقویتی حاصل نموده.

تمام دسته مرتجع نیز بواسطه وضع متزلزل تبریز و موفقیتهای ترکمانها در استراباد و امید حمله شاهسونها به رشت که در تلگراف امروزه بنده مذکور شده جرات و قدرت بسیار پیدا نموده.

مسیو سبلین [= سابلین] با من متفق الرأی است که نظر به وخامت وضع تبریز ما باید فوراً اظهارات کلی خود را به شاه بنماییم.

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر چارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

پیشنهادات روس و انگلیس در طهران

اظهارات کلیه مشترکه را دقتاً شروع بنمایید.

نمره - ۱۹۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

دولت روس صلاحیت این مسئله را تحت نظر آورده اند که شاه را تهدید بنمایند که اگر مقدار معینی آذوقه داخل شهر نشود خود آنها اقدام در دخول آذوقه خواهند نمود و اگر لازم بشود برای اجرای این امر متوسل به قوای قهریه خواهند شد. مسیو ایسولسکی اظهار می دارد بواسطه تجهیز يك قشونی از جلفا این تصمیم را می توان اعمال نمود و در این موضوع با همکاری خود در کابینه مشورت خواهد نمود. جناب مغزی الیه تصریح می نماید که نمی توان گذارد اتباع خارجه در تبریز از جوع تلف بشوند.

مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که قفقازیان از رشت، آستارا و جان قنسول روس مقیم آنجا را تهدید می نمایند. چون در جواز سرحد روس واقع است احتمال دارد برای محافظت قنسول روس قشون حرکت داده بشود.

پرگرام امروز عصر به مسیو سبلین [= سابلین] مخابره شد.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۱۸ شهر حال از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز رسیده:
«امروز نان خیلی کساد بود و تا فردا یاز کمیاب تر هم خواهد شد. منبع خطر عمده
فعلا در کثرت عده فقرای گرسنه است که ممکن است هر آن به خانه‌هایی که تصور بکنند
احتمال یافت شدن اغذیه در آنها می‌رود هجوم ببرند. عجالتاً از طرف خود ملیون خطر
کمتر است.»

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تهدید تهاجم به قنصلگریها در تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنصل انگلیس مقیم تبریز به من رسیده.
«زنهار در يك امامزاده‌ای جمع شده و برای نان فریاد و فغان می‌کنند.
«مسئله مذاکرات صلح محل بحث گردیده لیکن از قرار مسموع رؤسای نظامی مخالف
این عقیده هستند. ثقة الاسلام که قبل از این از باسمنج با شاه مشغول مذاکرات صلح
بوده از انجمن تقاضا نموده که نمایند بفرستند.
«هم به من و هم به همکار روسیم خبر رسیده که ملیون امیدی دارند که بواسطه حمله
به قنصلگریهای روس و انگلیس و اتباع آنها مداخله روس را که برتسلیم شدن به شاه
مرجع است حاصل بنمایند.»

«اهالی بکلی عقلشان زایل شده و هر التجاء و تشبثی به حسیات مشروطه‌خواهی آنها
بی‌حاصل است. لهذا اگر موقع مقتضی بدست بیاید من به آنها خواهم گفت که جان یک نفر
قنصل انگلیسی برای دولت اعلیحضرتی انگلیس اینقدرها قدر و قیمتی ندارد و از
مقتول نمودن يك نفر نباید امید نتیجه خیلی زیادی داشته باشند.»
من به مستر راتیسلا اطلاع دادم که ما امیدواریم اظهارات خودمان را فردا یا روز

چهارشنبه بنماییم. من به او تعلیمات دادم که از این مسئله ملیون را آگاه بنمایم.

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل راجع به تلگراف امروز من از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز

رسیده:

«در اینجا صحبت است که آخرین جد و جهد را برای برداشتن محاصره امشب بعمل بیاورند.

«ستارخان و باقرخان که از هیجان و طغیان عامه بر علیه قوای نظامی خوف دارند از قرار مسموع امیدوارند تحریفی در این هیجان بنمایند که منجر به مداخله خارجه بشود و در نتیجه این اقدام ممکن است فردا به قنسلگریها حمله برده شود.»

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ آوریل)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

به جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز اطلاع داده‌ام که اگر به من و همکار روسیم تعلیمات برسد فردا ما پیشنهادات خود را به شاه تقدیم خواهیم داشت ولی به هر صورت ما در صددیم که فردا به حضور شاه شرفیاب بشویم و در موقع تشرف ما به اعلیحضرت معظم اخطار خواهیم نمود که هر گاه ضدمه‌ای به قنسلگریهای ما یا سایر اتباع خارجه وارد بیاید ما شخص آن اعلیحضرت را مسؤل خواهیم دانست. ضمناً ما در لزوم متارکه جنگ و دخول آذوقه به شهر به آن اعلیحضرت اصرار خواهیم کرد. ما این اظهارات را بجهت مخاطرات مهمه‌ای که اتباع خارجه را در تبریز تهدید می‌نماید خواهیم کرد.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر ادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۱۷ شهر جاری شما

ممکن است مصلحت براین بشود که دولتین روس و انگلیس به قنسولهای خودشان اصرار بنمایند که از تبریز خارج بشوند و هر یک از اتباع خارجه دیگری را هم که مایل به خروج از شهر باشند همراه خود ببرند.

باید به شاه اخطار بشود که هر نوع خسران و ضرری که به آنها وارد بیاید باید کاملاً جبران بشود و از این بابت باید قنسولها و اتباع خارجه را هم مستحضر نمود.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سرادوارد گری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

چنانچه در تلگراف امروز خودتان راپورت داده‌اید تعلیمات شما به جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز را تصویب می‌نمایم.

علی الظاهر چندان امیدی در بموقع رسیدن قشون که فایده‌ای برای نجات خارجه‌ها [= خارجی‌ها]ی مقیم تبریز داشته باشد نیست ولی البته در صورتی که دولت روس بخواهد آنها را اعزام بدارد ما نمی‌توانیم مخالفتی داشته باشیم.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سرنیکلسن به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع تبریز

دیروز به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات داده شد که دفعتاً به شاه اطلاع بدهد که اگر فوراً به تبریز امر نشود که روزی صدوپنجاه خروار گندم وارد شهر نمایند خود دولت روس اقدامات برای دخول مقدار لازمه آذوقه بعمل خواهد آورد. بعلاوه به قنسول روس مقیم تبریز تعلیمات داده شد که از مفاد این اظهار که به شاه شده اهالی تبریز را مستحضر بدارد.

در جواب سؤال امروز من که آیا دولت روس يك عده قلیلی قزاق نخواهند فرستاد که قنسولها و سایر اتباع خارجه‌ای را که میل به متارکه شهر داشته باشند از شهر بیرون ببرند مسیوایسولسکی اظهار داشتند که اعزام يك عده قلیلی خطر خواهد داشت و يك دسته معتنا بهی قشون لازم خواهد بود. عده لازمه را مأمورینی که در آن محل هستند باید معین بنمایند. قزاق در حرکت اجباری ممکن است دو روزه از جلفا

به تبریز برسد ولی قشون دیگری سه روزه خواهد رسید. مسیو ایسولسکی اظهار نمودند آیا اولی آن نیست که شروع به عملیات را بیست و چهار ساعت دیگر تعویق بیندازیم تا نتیجه اقدامات مسیو سبلین [= سابلین] در طهران و نتیجه شایعه قنسول روس در تبریز معلوم بگردد؟ اگر چنانچه تهدید شده امروز حمله‌ای به قنسولگریها برده شود دیگر قشون بموقع نخواهد رسید و از طرف دیگر ممکن است که شاه برطبق پیشنهادی که مسیو سبلین [= سابلین] به او نموده است عمل نماید. در این موضوع من جواب دادم که بموجب اطلاعی که به من رسیده چندان امیدی در توافق شاه نمی‌رود. تأمین قنسولها مقصود عمده‌ای است که باید منظور بگردد. مسیو ایسولسکی وعده نمود که با وزیر جنگ مشورت نموده و از نتیجه رأی قطعی خودشان امروز عصر من را مطلع بدارد.

نمره - ۲۰۷

تلگراف سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۲۰ آوریل) از سن پترزبورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹ [۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف امروز من

الان مسیو ایسولسکی به من اطلاع داده که رأی قطعی داده شده که يك عده قشون روس به تبریز اعزام بگردد. تعلیماتی که به فرمانده قشون داده خواهد شد از این قرار است که وسایل تسهیل ورود آذوقه لازم به شهر را فراهم نماید و قنسولگریها و اتباع خارجه را محافظت نموده و به اشخاصی که میل دارند از شهر خارج شوند کمک بنماید.

نمره - ۲۰۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۲۰ آوریل) از سن پترزبورغ، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹ [۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

دولت روس بهیچوجه قصد اقدامی در تأیید هیچ يك از فریقین مخاصمین ندارد ولی به نظر من از مسلمیات است که ورود قشون روس به تبریز باعث جریان ورود آذوقه به شهر خواهد شد که در واقع با مرتفع داشتن محاصره شهر مساوی است. امروز در ضمن این مذاکره مسیو ایسولسکی اظهار داشت که دخول آذوقه منحصرأ برای اتباع خارجه از محالات است چون فوراً جماعت قحطی‌زده برای چپاول آن جدو جهد خواهند نمود یا اینکه جمعیت جوع‌زده انتقام خود را از خارجه‌ها [= خارچی‌ها]

خواهند کشید و نتیجه آن [یکی خواهد] بود. به نظر من ملیون از ورود قشون روس منتفع خواهند شد ولی من پیشنهاد می‌نمایم که مقصود عمده‌ای که باید منظور باشد تأمین قنسولهاست حتی بوسیله اقداماتی هم باشد که مقتضیات آن را لازم نموده و برای جنبش عمومی در تبریز نافع واقع گردیده.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سرجارج بازکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

وضع اتباع خارجه در تبریز

امروز صبح من تلگرافاً [= تلگرافی] به جنرال قنسول انگلیس تعلیمات دادم که اگر ممکن باشد اشاعه بدهد که نتیجه طفیانی که بر علیه [= علیه] اتباع خارجه در نظر است مجازات و تنبیه سخت اشخاص مسؤل خواهد بود و کسانی که دخیل در این امر بشوند از عفو عمومی که ممکن است اعطاء بشود مستثنی خواهند گردید.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)

از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

تبریز

در موقع شرفیابی امروز صبح من و همکار روسیم، اعلیحضرت شاه وعده نمودند که تعلیمات تلگرافی به عین الدوله بدهند که تا ظهر روز ۲۶ شهر حال اجازه دخول آذوقه به تبریز داده شود. در عرض مدت مزبور جنگ متارکه خواهد بود. دخول آذوقه البته مشروط به احتراز ملیون از هر حمله‌ای به قشون شاه پرستان است.

ما به جنرال قنسولهای تبریز خودمان اطلاع دادیم که اگر دسته ملیون بخواهند نتیجه اصلاحی از مذاکرات صلح اخذ شود لازم است که تقاضاهای آنها از مبنای اظهارات کلی ما که امیدواریم فرذا بنماییم تجاوز ننماید و نیز به آنها تعلیمات دادیم که از شرایط متارکه جنگ ملیون را مستحضر نموده و آنها را متقاعد بنمایند که شرایط مزبور را رعایت بنمایند. متارکه جنگ موقع مغتنمی را برای مذاکرات صلح می‌دهد.